

(تویی قلب کلیسا ، تویی روح کلیسا

کلیسا مال عیسی است، عیسی مال کلیسا) ۲

ای نجات یافتگان دستک زنید

ای آزاد شدگان شادی کنید

مژده انجیل را با قوت

بر همه دنیا اعلام کنید

نزد عیسی آیید زحمتکشان

با همه ضعف و غم گرانباران

آرامش میبخشد با روحش

آزادی و شفا با فیضش

پر شویم از روح تسلی

پر شویم از روح صلح و آشتی

پر شویم از روح قوتش

مسح شویم از شراب روحش

ای همه مومنین مجهز شوید

به عطش روح القدس پر شوید

عطایای روح را برداشته

برای جلال عیسی بکار برید

۱- ای فرزندان نور گرد هم بیایید

با شادی و سرور او را بسرایید

(بندگردان)

اندر حضور وی دستها برافرازید

منجی عالم را شکر و سپاس گوئید (۲)

۲- ای قوم خاص اودر روح قوی باشید

پیروزی عیسی را از آن خود دانید

۳- ای گلۀ خدا نزد شبان آیید

در هر غم و سختی عیسی را بخوانید

۱- ای تمامی زمین خداوند را

آواز شادمانی دهید

خداوند را با شادی عبادت نمایید

به حضورش با ترنم آیید

(بندگردان)

خداوند نیکوست

خداوند نیکوست

رحمت او تا ابدالابد(۲)

۲- به دروازه‌های او با حمد بیایید

به صحن‌های او با تسبیح

او را حمد گوید و متبارک خوانید

زیرا که خداوند ما نیکوست

(بندگردان)

ستایش ، حرمت ، جلال و قوت
از آن تخت نشین و بره تا ابدالاباد (۲)

۱- بره خدا جاننش را در راه نجات مردم قربانی کرد
لایق است که او باشد صاحب جلال و قوت ، حکمت و دولت

۲- لیاقت داری طومار از پدرت بگیری مهرش باز کنی
لیاقت داری آنرا بخوانی چونکه جانت را قربانی کردی

۳- به خون خود مردم را از هر ملت خریده و آزاد کرده‌ای
ایشان را مثل هدیه‌ای زیبا به حضور وی تقدیم کرده‌ای

۴- ایشان را به سلطنت رساندی مثل کاهنان خدای ما
ستایش می‌کنیم نام تو را خداوند ما ، خداوند ما

۱- مهر مسیح را سرائیم فیضش را اعلان کنیم
بهر مکان پر جلال که خداوند بنا کرد
(بندگردان)

چه روز پر جلالی است وقتی رخس را روبرو بینیم
باشادی حمدش کنیم آهنگ ظفر را بخوانیم

۲- گرچه راههای ما تنگ است راه صلیب و زحمت
لیک مسیح همدم ما است تا آن روز پر جلال
۳- دردهای زمان حاضر محو شود در جلالش
لبخند زیبای مسیح قلبها را تسکین دهد
۴- دروازه‌های آسمان به روی ما گشوده
شاه شاهان در جلالش ما را سوی خود خواند

۱- خالق آسمان ، زمین و این جهان

آشکار شد جلالت در خلقت انسان

ملائک سرایند مهر و محبت

چون محبت تو زایل نگردد

بندگردان

می‌سرایم با تمام وجودم ستایم تو را شاه شاهان عیسی
بهرت خوانم زیباترین سرودم نزدت زانو زخم سر فرود آورم

۲- خالق آسمان ، زمین و این جهان

در قلب سیاهم نورت گشت تابان

نزدت دعا کنم، بشنو تو صدایم

چون بهر تو خوانم ای خداوندم

(فریاد پیروزی و شادمانی)

بر لبهای ماست بهر رهایی (۲)

دست خداوند بخشد نجات

فرزندانش را در کلیسا

دست خداوند بخشد نجات

با زندگیم دهم او را جلال

ای عیسی ، منجیم ، خداوند بی همتا
تمام عمر می ستایم عظمت مهتر را
آرامی دهنده ، پناهگاه مستحکم
با هر نفس می پرستم ، خود را تقدیمت سازم

آیید ستایش و حمدش گوئیم
بهر شاه شاهان سرود خوانیم
خلقت و کل هستی در حضورش تعظیم کند
با شور و شوق حمد به نامش خوانیم
تا ابد به او وفادار میمانیم
و عده هایت بی نظیر است ای خدا
و عده هایت بی نظیر است ای خداوند

(برافراز رویت را فرزند خدا
برخیز از غمهایت ، تو پیروزی در عیسی
برافراز رویت را فرزند خدا
تسبیح خوان نام شاهمان عیسی) ۲
بر تپه جلجتا، عیسی داده این ندا
نجات را تمام کردم
قوت روح خدا ، نام عظیم عیسی
موت را مغلوب می کند

۱- عیسی امید پر جلالم به آسمان باشد او رهبرم
وارث نجات ملک خدا مولود روحم شسته مرا
(بندگردان)

تا دم آخر شاهد هستم
محبت او را سرایم
تا دم آخر شاهد هستم
محبت او را سرایم

۲- تسلیم اویم خوانم سرود در انتظارم تا او آید زود
فرشتگان نزول کنند پیام مهر و فیض آورند
۳- آرامش دارم چون مطیعم درمنجی خود شاد و مسرورم
در انتظار بازگشت او غرق محبت در فیض او

۱- یهوه هستی خدای خالق یهوه هستی خدای قادر
مسح کننده ای صخره ابدی یهوه تویی شفا دهنده
(بندگردان)

گو هلولو یا گو هلولو یا
یهوه هستی محبوب جانم یهوه تویی شفا دهنده

۲- "من هستم" عظیم خدای ابراهیم یهوه شالوم خدای سالیم
خدای مومنان صخره جاودان یهوه تویی شفا دهنده

۳- مهیا می کند "یهوه یا ابراهیم" نجات عظیم خداوند مسیحا
فرزند یگانه آشکار کرد او را یهوه تویی شفا دهنده

۱- ای خداوند قوت من تو را محبت می نمایم

دلم بر تو توکل داشت و مدد یافته‌ام

(بندگردان)

خداوند را در هر وقت متبارک خواهم گفت

نام او را بایکدیگر برافرازیم

۲- تسبیح او دائما "بر زبان من خواهد بود

چون از گناه مرا آزاد کرد هلولیا

۳- پس سرودی تازه برای او با هم بسراییم

چون جهان از رحمت خداوند پر است

۱- وقتی غم این زندگی پریشانم کند

دعا کنم نزد خدا روحش شادم کند (۲)

۲- بار قلبم فرو ریزد روحم سرود خواند

چون آواز شیرین او در گوش من آید (۲)

۳- آنگه ابر تیره رود روحم بال بگیرد

همچون عقاب پرواز کنم دور از هر غم و درد (۲)

چو سرمست مسیح من ز درد سر چرا ترسم

چو آهوی مسیح من ز شیر نر چرا ترسم

ز شیر نر چرا ترسم من؟

(بندگردان)

تو عیسای خداوندی خداوندی خداوندی

چو موسای تو را دیدم ز فرعونها چرا ترسم من

ز فرعونها چرا ترسم، ز فرعونها چرا ترسم من؟

چو منجی من او باشد ز قید و بند چه اندیشم

چون شور و شوق او دارم ز شور و شر چرا ترسم من

ز شور و شر چرا ترسم من؟

ز روحش پر شده ظرفم به مسکینی چه اندیشم

هزاران گوهرم داده ز بی گوهر چرا ترسم من

ز بی گوهر چرا ترسم من؟

چون او بامن چنین گرم است زمستان را چه اندیشم

چو بر بام فلک هستم ز خار و خس چرا ترسم

ز خار و خس چرا ترسم من؟

سراییم نامت خداوند سراییم نامت خداوند
سراییم نامت را ، سراییم نامت را ، سراییم نامت خداوند

شکر گوئیم تورا خداوند شکر گوئیم تو را خداوند
شکر گوئیم خداوند، شکر گوئیم خداوند، شکر گوئیم تو را خداوند

جلال بر نامت خداوند جلال بر نامت خداوند
جلال بر نامت باد، جلال بر نامت باد ، جلال بر نامت خداوند

هللویا حمدت خوانیم هللویا حمدت خوانیم
هللویا، هللویا، هللویا حمدت خوانیم

بند گردان
یک چیز میخوام از خداوندم آن را دائما خواهم طلبید
تا همه عمر در خانه او ساکن بگردم ، ساکن بگردم

۱- نیکویی و رحمت همه عمر، همراه من است، مسرور خواهم بود

۲- تا شاهد جمال او باشم، در هیکل او تفکر کنم

۳- در روز بلا سایبان من است، در خیمه او محفوظ خواهم بود

۴- بر صخره مرا بلند خواهد ساخت، سرود و تسبیح بهرت سر دهم

۱- ای که تو از بهر دعا آمده‌ای

در چنین جای مقدس این را یقین دان
منجی ما می‌نگرد ، می‌شنود

عرض ما را گربود از روی ایمان
چونکه خود فرموده ما را ای محبان

با شما بستم ز رحمت عهد و پیمان

گر در عهد و وفا بمانید حکم مرا بدانید
نام مرا بخوانید با قلب و وجدان
می‌کنم هر مشکلی را حل و آسان می‌رسانم هر دعا را نزد یزدان

۲- طرز دعا را ابن خدا یاد به ما

داده تا افتد قبول حی سبحان
هر که خدا را با دل و جان قلب و زبان

خواند زود یابد جواب از فضل رحمان
پس بیا تا متحد گردیم و هم راز

حاجت خود را بریم نزد سبب ساز

گوئیم ای پدر روحانی حاجت ما را دانی
باطن ما را خوانی ای شاه شاهان
قادرا ما را رهان از نفس و شیطان، کن عطا ما را از احسان روح ایمان

۱- یک روز این دنیا برای من
 رنگ سفیدش برای من
 شکر عیسای محبوب من
 نور او به قلب من تابید
 دستم باشد در دستهای او
 وقتی بر صلیب رفت جان او
 تاریکتر از هر تاریکی بود
 سیاه تر از هر سیاهی بود
 که او صدای مرا شنید
 مرا از چاه گناه کشید
 گوشم دائم به فرمان او
 عالمی گردید حیران او

۲- پس کی می آیی شاه شاهان
 تو وعده دادی بر می گردی
 همین اکنون باش میان ما
 آنگه بگویم شکر عیسی
 عیسای محبوب دوست دارم
 آرزوی من کنار توست
 تا ما آییم نزدت شتابان
 پایان خواهی داد به هردردی
 تا همه بینیم در دل تو را
 شکر که دادی نجات ما
 بهر دیدنت بی قرارم
 چون همه شادیها مال توست

۳- همه مؤمنین دعا کنیم
 عیسی را خوانیم در جمع خود
 عیسی طیب دلهای ماست
 چرا نگوئیم با یک صدا
 عیسای محبوب دوست دارم
 آرزوی من کنار توست
 دعا درگاه خدا کنیم
 دلها را از غم رها کنیم
 عیسی شفای دردهای ماست
 عیسی نجات همه قومهاست
 بهر دیدنت بی قرارم
 چون همه شادیها مال توست

۱۹۱

۱- به که پناه برم چون غمها در رسند
 به که پناه برم چون قلبم بشکند
 از بهر این حال زارم اکنون پناهی می جویم
 در پی شادی می گردم اما اندوه آید سویم

(بندگردان)

عیسی بخشد نجات با خون پریها
 شفا و آزادی ز هر درد و جفا
 نزدش رو با ایمان دور ز شک و عصیان
 او تو را پذیرد بخشد روح و توان

۲- به که پناه برم چون در گناه افتم
 به که پناه برم چون روحم زجر کشد
 عدل و بخشش از که جویم پاکی و نور در وجودم
 در پی شادی می گردم اما اندوه آید سویم

۱۹۲

ای شبان نیکو ای شبان نیکو
 جانم را در راه گوسفندان نهادی (۲)
 ای منجی عالم ای منجی عالم
 خونت را برای گناه کاران بریختی (۲)
 ای مظهر بخشش ای مظهر بخشش
 خود را فدا کردی تا ما را برهانی (۲)
 ای شاه آسمان ای شاه آسمان
 جانهای ما مشتاق دیدارت می باشد (۲)
 ای فرزند خدا ای فرزند خدا
 تسبیح تو را دائماً بجای میاریم (۲)
 ای داور عادل ای داور عادل
 پر جلال است روزی که بازگشت بنمایی (۲)

جلال دهم نامت را، عیسی نام عظیمت، عیسی
چون از هر نامی برتر است نام تو
برافرازم نامت را، عیسی نام زیباییت، عیسی
چون از هر نامی برتر است نام تو

شبان جانم مطیع تو مانم
هرجا مرا خوانی من می آیم
تسلیم توام صدایت گوش گیرم
هرجا مرا خوانی می آیم
چه باشد مرتع های سبز یا نهرهای آرام
دانم شبان جانم با من است
گرچه به کوهها برسم ، وادیهای تاریک
چه غم شبان جانم با من است (۲)

(خدا نیکوست با شادی سراییم
خدا نیکوست حمدش گوئیم
خدا نیکوست شکی نداریم
خدا نیکوست یقین داریم

چون به یاد آرم محبتش
قلبم حمد گوید از شادی می رقصم
چون در قلبش جا هست برایم
سویش روم با اشتیاق) ۲

خدا نیکوست

۱- ای عیسی نزد من بیا
در دستهایت این جانم
ای هادی نیکویم
(بندگردان)

تشنه وجودتم تشنه حضورتم
درخواست کنم منجی ام همیشه باش رهبرم (۲)
۲- قلبم را نگشایم
هیچکس را جاندهم
تنها حضورت خواهم
ای عیسی مصلوبم
۳- به تو توکل دارم
در هر چیز باش رهبرم
سلطنت کن در قلبم
ای مسیح محبوبم

۱- روح و جان من مشتاق تو است طالب حضور توام
تحت قدرت روح تو ای پدر جسمم را مطیعت کنم

(بندگردان)

بشکن این پوسته سخت من
ای خدا به روح خود
تا شوم آزاد ز قید جسم
بینمت در عمق وجود

۲- روزه و دعای می شکند مرا تا شوم شبیه عیسی
عطر معرفت و شناخت تو بخشد زندگی را صفا
۳- پیروزی بر جسم خواست روح توست اندر این نبرد درون
فیض عطا نما تا غالب شوم گردد این تن من زبون

- ۱- ای که دعا می شنوی نزد تو دعا می کنم
صدای دعای مرا می شنوی می شنوی (۲)
تو هستی خدا پدر یتیمان
تو داور همه بیوه زنان
تو هستی یار همه اسیران
تو هستی ملجاء برای بی کسان (۲)
۲- ای که دعا می شنوی نزد تو دعا می کنم
به حضور قدوس تو می شتابم می شتابم (۲)
گر پدر و مادر مرا ترک کنند
دوست و دشمن مرا از خود رد کنند
چون آهوی تشنه برای نهرها
همچنان اشتیاق به تو دارم (۲)

- ۱- نخواهم یاری از کس چونکه با تو
مرا کافی است کردن زندگانی
نترسم هیچ چیز و هیچکس را
چرا که تو کنی بهرم شبانی
بدست تو همی محفوظ تر زانکه
(کند لشکر به دورم پاسبانی) ۲
۲- نترسد از خطر فرزند ایـزد
در این دنیا به پیری و جوانی
به تو ما سرنوشت خویشان را
سپاریم ای حیات جاودانی
نباشد راحت ما اتفاقی
(تو ای شاه شاهان آرام جانی) ۲

- من بودم گرانبار و خسته
پوچ و درمانده و سرگشته
تو را دیدم در اوج سرگردانی
در حین تاریکی و سراب
مسیح را در کنارم دیدم
تو به من توان دادی در تنهایی
نجات دهنده ام تو عیسی
آب حیاتم عیسی
به قلبم بیا منجی عزیزم
امید قلب من ای عیسی
شبان من ای عیسی
دنبالت روم چون دوست می دارم
از آن روز که تو را شناختم
معنای هستی رو دریافتم
قلبم پر شد با فریاد شادمانی
فریاد شادمانی و زندگی
در قلبم به غوغا درآمد
قلب تاریکم را مسیح روشن کرد
زانویم خم شود ای عیسی
پای صلیبت عیسی
چون تو با خونت گناهم شستی
ستایش کنم نامت عیسی
نام عزیزت عیسی
چون از هر نامی برتر است نام تو

بیاید خداوند را بسراییم
شکر و سپاس بهر مهرش نماییم
هر که روح دارد با ما بسراید
با دف و عود و مزموّر حمدش گوید

بندگردان

حمد و جلال بر نام خداوند
در محبت و رحمت می ماند
ملکوت و قدرت از آن توست
پدر و پسر و روح القدس

با روح و راستی تو را میپرستیم
ای مومنین او را سجده نمایند
هر که روح دارد بگذار بسراید
با بریط و دف و عود حمدش گوید

هر چه دارم از ته دل تقدیم عیسی کنم
پیوسته در حضور او با اطمینان به پیش روم

بندگردان

تقدیمت کنم، تسلیمت کنم
همه چیز را ای خداوند تقدیمت کنم

زندگیم ای خداوند تقدیم دستهای توست
همواره اعتمادم در خون پربهای توست

با روحت پراساز وجودم، شادی و وجد کن عطا
با کلامت با حضورت کن سیراب جان مرا

۱- محبوبم از آن من است و من از آن وی هستم
چهره خود را بنما و آوازت را بشنوان
ای محبوب مؤمنان ای عیسی
(بندگردان)

ای منجی آسمانی تو تنها نور جهانی (۲)

محبت تو بی انتهاست

۲- آواز محبوب من است در قلبم را می گوید
با صدای دلنوازش مرا به نزدش می خواند
محبوبم عیسی از آن من است

۳- من از آن محبوبم و اشتیاق وی بر من است
محبوب من برتر ز هر محبوبی است اندراین جهان
محبوبم عیسی از آن من است

۴- مرا چون خاتم بر دل و نگین بر بازویت بگذار
زیرا که محبت تو تا ابد خاموش نشود
محبوبم عیسی از آن من است

۱- آه ای شبان نیکو بیا ما گوسفندان مرتع تو

ما را بر نزد چشمه ها ما را تو شبانی بنما (۲)

۲- گوسفند گمراهی من بودم در بیابان سرگردان بودم

آنگه صدایت شنیدم بسویت شتابان دویدم (۲)

۳- زین پس در حضور تو شادم از هیچ چیز و هیچکس نترسم

چون تو عیسی شبان منی مرا از خطر می رهانی (۲)

(بندگردان)

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش

تو نور جهانی به دلم جایگزین باش

۱- وقتی که به ظلمت گردیده گرفتار

وقتی که مددکار عاجز شده از کار

وقتی که ز عصیان بر من شده دشوار

باز آی و نجاتم ده و هم رهبر دین باش

۲- هستم به تو محتاج هر ساعت و هر آن

فیض تو بکاهد از قدرت شیطان

در تیرگی ابر در نور درخشان

پیوسته به هر جای مرا یار و معین باش

۳- چون صبح سعادت طالع ز سما شد

هر سایه عبث بود در نور فنا شد

پیدایش گیتی بر نور بنا شد

ای نور حقیقی تو مرا نور یقین باش

۱- در تو جلال و در تو بقاست

تو ازلی و تو ابدی

۲- در گاه قدست پر از جلال

قدوس ای قدوس خدای پاک

۳- نور حقیقت باشد رخشان

بی نور تو ما در ظلمتیم

۴- ما مسکینان و گنهکاران

از بهر درمان آمده ایم

ای که پرستش بر تو سزااست

در تو بقا و بی تو فناست

نبیند نامت هرگز زوال

محبت تو بی انتهاست

از تو که هستی نور جهان

از تو منور دلهای ماست

ما دردمندان و ما بی کسان

چونکه در گاهت دارالشفاست

ای خداوند وعده های تو چه عظیم است

بهر همه مؤمنین نور و یقین است

تو را خواهم ، تو را جویم ، درون قلبم

توئی راهم ، توئی نورم ، توئی شبانم

(بندگردان)

قلبم پر از حمد تو است مسیح عیسی

جز تو کسی رانخواهم من در این دنیا

تو را خواهم ، تو را جویم ، درون قلبم

توئی راهم ، توئی نورم ، توئی شبانم

ای خالق کل هستی اینک می آیم

با دعا و شکر گزاری تو را می خوانم

جانم اکنون مشتاق توست منجی دنیا

قلب مرا با حضورت مزین فرما

خداوند من یهوه با جلال پیروز شده
و قوت و تسبیح من خدای نجات من
ارابه ها و لشکر فرعون را به دریا ریخت
دست راست خداوند من به قوت جلیل شده

اسم یهوه را شنیدند همه امتها
همه مردم کنعان ، همه بت پرستان
لرزیدند موایان و ادوم در حیرت افتاد
وقت طلوع صبح دریای سرخ از وسط شکافت

۱- نامت مجید است ای خدا
فیضت عیان در قلب ما
۲- از لطف و از مهر و وفا
خود کرده ای قوت بنا
اندر دهان بچه ها
هم بر زبان کودکان (۲)
۳- چون بر سما کردم نگه
بر اختر و ناهید و مه
گفتم که انسان تبه
باشد چه اندر این جهان (۲)
۴- بردی تو او را بر فلک
در رتبه کمتر از ملک
لیکن بدادی یک به یک
تاج جلالش رایگان (۲)

۱- از جان و دل خواهم تو را
باشد تو را آنجا سرا
۲- غوغا و شور این جهان
لیکن تویی نیکو شبان
۳- خودخواهی و کبر و غرور
گردان تو قلبم پر سرور
۴- این روح سرگردان من
در آی و کن درمان من
۵- گر این دل از عیسی شود
زشتی رود زیبا شود
۶- سرتاسر قلبم اگر
چیزی نخواهم ای پدر
عیسی به قلب من در آ
کن رهبری مرا
نامت کند از دل نهان
ظاهر کنی خود را
از من نما یکباره دور
خواهم از دل تو را
وین قلب نافرمان من
فرمان برم جانا
هر چیز روح افزا شود
تازه شود دنیا
از آن تو باشد دگر
پس ای خدا بیا

۱- ای خدا طالب بیداریم
دانم جدا ز تو نیست قدرتی
محو شده آرامی و شادیم
نه آرامش و نه هیچ محبتی
(بندگردان)
خداوند نورت را بر من بتاب
حاضر من تا بشنوم هر نوع عتاب
منتظرم تا دهی مرا جواب
۲- ای مسیح تو دانی ضعف مرا
روح پاکت مرا احیا کند
۳- آتش روح تو سوزد وجود
پر نما این ظرف خاکی ام به روح
پیشانی و هم درد مرا
بر وجودم همچو بادی می دمد
بخشد هم در دلم صوت و سرود
تا کنم اعلام حقیقت را چو نوح

۱- مسیحا در تو جانم شادی کند تو را در تنگی می خوانم
 هر روز سرودی تازه می سرایم تویی امید حیاتم
 (بندگردان)

با من باش، با من باش، با من باش خداوند
 جان را به دست سپردم

۲- کجا گوسفندان را می چرانی اندر چمن محبت
 به وادی مرگ چرا گریان باشم چون مسیح باشد شبانم
 ۳- راه مسیح پر از چشمه و آبشار راهی است مستقیم و باریک
 جویهای مهتر آن را سیراب کند هر که تشنه است بیاید
 ۴- صدایت به گوشم می رسد عیسی چون خوانی مرا می آیم
 دائم مرا در حضورت نگهدار تا ابد تو را ستایم

(بندگردان)

چنانکه آهو برای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد
 همچنان ای خدا جان من اشتیاق شدید برای تو دارد

۱- جان من تشنه خداست تشنه خدای حی
 که کی بیایم به حضور خدا حاضر شوم

۲- برخدا امید دار زیرا که او را باز حمد خواهم گفت (۲)

که نجات روی من و خدای من است (۲)

یوشع می جنگد در اریحا اریحا اریحا
 یوشع می جنگد در اریحا تا "دیوارها فرو ریزد"

۱- و می خیزد از دیوارها هادی اش روح القدس
 با صدای شیپور گوید نبرد از آن عیسی است
 ۲- با صدای کرنا با نوای شیپورها

قوم خدا فریاد زند "دیوارها فرو ریزد"
 ۳- جدعون ، شاعول خوب جنگیدند در جنگهای خدا
 اما هیچ کس مثل یوشع نجنگید در اریحا

ای خالق یگانه ای نور جاودانه
 نامت بر قلبم نشست زد آنجا یک جوانه
 جوانه شاخه گشته شاخه های پرثمر
 بیشتر شوند بارور طلب کنم ای پدر
 بندگردان
 ای پدر، ای پدر، ای پدر، ای پدر (۲)

با نور رحمت خود کن تو ما را منور
 در این جهان تاریک نگذار شوم پرپر
 بر من تو سروری کن ای سالار و ای سرور
 در این جهان تاریک بی تو هستم مکدر

ای پدر آسمانی قلب مرا تو خوانی
 بهتر از من تو میدانی ای پدر آسمانی
 بر من باش یار و یاور از هر کسی عزیزتر
 بر من باش یار و یاور از هر کسی عزیزتر
 عزیزتر عزیزتر عزیزتر عزیزتر (۲)

ای شاه شاهان جهان ، ای نور چشم عقل و جان
 بر تخت دل سلطان تویی ، عیسی خداوندم تویی (۲)
 ای نور چشم عاشقان ، ای خالق کون و مکان
 ای رامش آرام جان ، عیسی خداوندم تویی (۲)
 موسی به فرمان تو شد ، سالک صحرای نجات
 داوود به دل اقرار کرد ، عیسی خداوندم تویی (۲)
 همچون بهار اندر چمن ، هم روح و هم ریحان تویی
 ژاله تویی نسرین تویی ، عیسی خداوندم تویی (۲)
 در جسم ما چون جان تویی ، در جانها جانا تویی
 صورت تویی معنا تویی ، عیسی خداوندم تویی (۲)
 تو جسم را جان میدهی ، چشم و عیان را میدهی
 جان را تو سامان میدهی ، عیسی خداوندم تویی (۲)
 پویان بودم من سالها هم در زمین هم در سما
 چون باز کردم دیده را دیدم خداوندم تویی (۲)
 هم حی و هم باقی تویی ، هم ساقی مستان تویی
 هم آب و هم نان حیات ، عیسی خداوندم تویی (۲)
 زنده جاودانی تویی ، رحمت بیکران تویی
 تشنه فیض تو منم ، عیسی خداوندم تویی (۲)
 عاشق بوی تو منم ، سالک کوی تو منم
 هادی و سلطانم تویی ، عیسی خداوندم تویی (۲)
 فتح و فتوح من تویی ، کشتی نوح من تویی
 شسته به خون تو منم ، عیسی خداوندم تویی (۲)
 شادی روح من تویی ، راحت جان من تویی
 کیست حریف مهر تو ، عیسی خداوندم تویی (۲)

(بندگردان)

ای خداوند تویی منشأ حیات مؤمنان (۲)

۱- راه و راستی و حیاتم شفیع و مالک جانم
 شبان اعظم گله خداوندم عیسی (۲)
 ۲- تویی تاک و ما شاخه‌ها ز تو یابیم فیض و شفا
 تویی ساکن در قلب ما خداوندم عیسی (۲)
 ۳- ای داماد آسمانی ای سلطان جاودانی
 عروس مشتاق دیدارت خداوندم عیسی (۲)

۱- عیسی تویی همه چیزم «الف و یا» خداوندم
 اولین و آخرین در زندگی‌ام
 طوفانها چون درمی‌رسند حیاتم آشفته سازند
 در آغوش گرم تو من پناه جویم
 او را با شادی سرایم گر جفاها آیند سویم
 شکنجه و درد زحمت همه گیرم به خیریت
 چون عیسی در زورقم آرمیده است
 ۲- صلیب را برداشته‌ام انکار نفس نموده‌ام
 بهر عیسی سودم زیان دانسته‌ام
 روانم سوی جلجتا تا مصلوب کردم با عیسی
 چون پس از مرگ در قیامش شریک کردم
 کیست که ما را جدا سازد از محبت خداوند
 خدا با ماست هـلـلـوـیا کیست به ضد ایمان ما
 چون عیسی سلطان قلبها کنار ماست

۱- خداوندا تو آگاهی
شناسی بنده خود را
(بود مهرت ز حد بیرون
چنین گفתי که آگاهی
۲- گه فرسودگی و غم
به درگاهت شتابانم
(در این دنیا تو را دارم
بود فخرم همه در تو

ز اندک آرزوی من
و دانی جمله خوی من
تو ای نیکو شبان من
ز دانه دانه موی من (۲
زمان شادی و عزت
که باز است آن بسوی من
یگانه مهربان من
تو هستی آبروی من (۲

۱- اکنون در نور سالکم
مسیح خداوندم
سفر زندگی را
هلولیا تسبیحش ، می خوانم
(بندگردان)

منجی ام حفظم کند ، پیروزمندم می کند ، وعده آسمانی داده است
از این رو بسی شادم ، از هر گناه بیزارم ، پیوسته می ستایم خدا را

۲- چون با عیسی مرده ام
در مسیح شادمانم
گناهانم محو شده
پیروزم بر فوجهای شیطانی

۳- غذای آسمانی
از مسیح همی یابم
به خورش مرا شسته
راهی آسمانم کرده است

۴- ای کاش هر پریشان حال
که با صلیب عیسی
تارهد از جهنم
پیدا کند نجات آسمانی

پیدا کند این جلال
دهد خدا
از مرگ جاودانی

چون سرگردان من همچو باد
جسم و روح من بی پناه
ندانسته چه می کردم
من در این دنیای فانی
چون موج شن در بیابان
مانده ام در گناه
فرمان از شیطان می بردم
امیدی نداشتم
بندگردان

(اما یک قدرتی درونم دیده شد

روح قدوس خدا در قلبم ظاهر شد) ۲

شد رستگار این جان من
با خون پر بهای خود
یأس های من امید گشته
عیسای مسیح محبوبم
سما گشته مکان من
شسته گناه من
غمم به شادی برگشته
در قلبم نشسته

۱- روح القدس به ما
تا آنکه نور رحمت
۲- وین قلب جامد را
بر جمله افکار بدم
قوت فرما عطا
روشن کند جان را
بگداز و غالب آ
نو خلقتم فرما
بندگردان

(ایمان نو بخشا
دلهایمان کن مشتعل
شک را ببر از ما
با حب بی فنا) ۲

۳- حمد از زبان من
پس صرف خدمت کنم
تسبیح زیبد تو را
باقی عزمم را

۱- بیائید خدا را بسرائیم به حضورش با سپاس آئیم
در وصف صخره‌ی نجاتمان با شادی و شور سرود بخوانیم (۲)
(بندگردان)

ما قوم اوئیم، او خدای ما گله‌ی اوئیم، اوشبان ما (۲)

۲- او پادشاه کل جهان است آب و خشکی به او تعلق دارد
اعماق زمین در دستهای اوست بر موج دریا فرمان میراند (۲)

۳- در برابر نام عظیمش سرهایمان را فرود آوریم
او را با شادی عبادت کنیم شکرش بگوئیم، حمدش سرائیم (۲)

(اینک چه خوش و چه دلپسند است

با هم بودن ایمانداران) ۲

(با یکدل، همه با یکدل با یکدل

با محبت همواره با یکدل) ۲

به قدسهای تو داخل شده‌ام تا بینم جمال چهره‌ات

با خون بره آمده‌ام پر شوم ز آتش روح

(ای معبود من، محبوب من

نام تو قدوس است، قدوس یاه) ۲

با قلبی باز، با قلبی باز مشتاق ملاقات تو هستم

۱- تنها عیسی باشد مالک دلم
تنها عیسی آنجا ساکن شود
محبت او را مانند نباشد

تنها نزد او راحت می‌یابم
(بندگردان)

غمی ندارم گله نکنم
خداوندم عیسی نزد من است
خود فرموده که دستم را می‌گیرد
برد آنجا که دائم راحت است

۲- تنها عیسی کرد از گناهم آزاد

تنها او در حق من احسان کرد
دلم را بشکافت با مهر عظیمش

آنگه آرامی آسمانی داد
۳- وقتی در نبرد ناتوان می‌شوم

تنها عیسی به من نیرو بخشد
از چشمه‌ی حیات او می‌نوشم

دائم نیروی تازه می‌یابم
۴- عیسی در این نبرد پیروزم کند

مرآنزد خود آسمان برد
در آنجا همواره شادی خواهم کرد

راحت و آرام در آغوش او

۱- اعتماد بر عیسی نیکوست
و عده‌های عالی از اوست
هادی و امید ما
در کلام او پیدا

(بندگردان)

بر عیسی دارم اعتماد
ای مسیح، منجی عالم
۲- اعتماد بر عیسی دارم
آزمودم وعده‌اش را
فیض را عطا فرما
بر آن خون پاک او

خون وی زدوده جرمم
۳- اعتماد بر او شیرین است
محض فیض و رحم او
آزادم ز قید و بند

شادی و سرورم در اوست
۴- ای امیدو شادی جان
آن مسیح خداوند
دوست و منجی‌ام عیسی

نور توبه رویم تابان
همدمم شوی هرجا

۱- پر جلال است پیروی او که گشته منجی ام

شادی و سرور من در اوست

در طریق زندگی چون با عیسی به پیش روم

رهبری کند مرا چون دوست

(بندگردان)

با او زیستن چه پر جلال است

با او زیستن چه پر جلال است

مرا رهبری کند هر روز مرا رهاند

با او زیستن چه پر جلال است

۲- پر جلال است در حضورش زیستن دور ز ابرغم

با دعا و ذکر فیض او

در مسیر زندگی مسیحا باشد همدم

هادی و رهبرم از هر سو

۳- عیسی با من باشد در شهر زرین سماوی

و به چه پر جلال و بی همتا

در حضورش زندگی نمایم شادان هر دمی

تا ابد سرایم شاهم را

۱- ای فروغ جاودان ای مسیح نور جهان

خالق ارض و سما راحت و امید ما

(بندگردان)

در نور رویت آیم به سویت حمدت کنم بهر فیض عظمت

تویی خدایم مهر و صفایم تویی نجاتم و تویی شفایم

۲- ای خورشید عالم تاب بر من مسکین بتاب

گرمی انوار تو بخشد مرا قلبی نو

۳- ای خداوند کریم پر ز احسان و رحیم

بشنو این دعایم را شکر تو گویم در هر جا

۱- خدا ملجا و قوت من است صخره قوی من اوست

سپر و شاخ نجاتم خداست قلعه بلند من اوست

(بندگردان)

شکر ای پدر، شکر ای پسر، شکر بر تو ای روح القدس (۲)

۲- بیایید خدا را بسراییم آواز شادمانی دهیم

صخره نجات را بستاییم در حضورش با حمد آیم

۳- در نام قدوسش فخر نمایید رویش را دایم طلبد

کارهای عجیبش را ذکر کنید نام یهوه را خوانید

۴- تسبیح بخوانید تسبیح بخوانید خدا را تسبیح بخوانید

جمع لشکرهای خداوند نام او را تسبیح خوانید

۱- کرده قیام مسیحا ، هلولویا
 روزی است شادی افزا ، هلولویا
 بهر نجات ای یار ، هلولویا
 جان داد بر روی دار ، هلولویا
 ۲- جان را به کف نهادی ، هلولویا
 ما را نجات دادی ، هلولویا
 درد و غم تو باری ، هلولویا
 بخشیده رستگاری ، هلولویا
 ۳- از حال و تاقیامت ، هلولویا
 حمد و ثنا به نامت ، هلولویا
 بهر تو ای خداوند ، هلولویا
 فرشتگان سرایند ، هلولویا

تو بی همتائی ، تو بی همتائی
 تویی همتائی ، تو بی همتائی
 تو خداوندی ، پسر خدا
 عیسای مسیح ، تو بی همتائی
 تو محبتی ، تو آرامشی
 دوست می دارم ، تو بی همتائی
 می پرستم ، می پرستم
 پسر خدا ، تو بی همتائی

چشمان قلبم را بگشا
 تا تو را بینم
 چشمان قلبم بگشا
 تا تو را بینم (۲)
 در جلال آسمان
 نور رویت درخشان

مهر قوت از توست

توهستی قدوس قدوس قدوس (۲)

۱- در طی سفر در نور سالکم
 بر اوج کوهها یا درهها
 "ترکت نکنم" گوید مسیحا
 وعده ایست عالی از بهر ما

(بندگردان)

نور خدایی	نور خدایی
تابان در قلبم	با جلالش
ها هلولویا	مسرور و شادم
خوانم من حمد	منجی ام را

۲- چون تاریکی ها گیردم فرا
 منجی ام باشد هادی مرا
 نور من اوست در وی ظلمتی نیست
 همواره کنم نزد او زیست
 ۳- با قلبی شادان در نوری تابان

سوی آسمان باشم روان
 با حمد و ثنا قلبم شادمان
 باشد هادی ام نور جهان

۱- در منجی‌ام شادان هستم

فیضش را سرایم هر دم

چون بر شیطان پیروز گشتم

آزاد شدم از درد و غم

(بندگردان)

مقام من بس رفیع است

برتر از فوج شریر است

در این نبرد روحانی

فتح من بس نمایان است

منجی‌ام عیسی بهرم شد فدا

بر صلیبی در جلجتا

پیروزی بخشید بر هوسهایم

برداشت اوترس و هر گناهم را

۲- با منجی‌ام پیمان بستم

او را جویم راهش پیویم

هر نوع شک را دور نمایم

به لطف او پیروز مانم

۳- اسلحه تام خدا

بخشد قوت در این دنیا

با تکیه بر وعده‌هایش

کنم شیطان را مشوش

۱- مسیح حیات و مسیح است نورم

مسیح هادی شب دیـجورم

مسیح کاهنم مسیح و کیلم

مسیح استاد و مسیح دلیلیم

۲- مسیح مصلحم مسیح هادی‌ام

مسیح است عدلم مسیح ناجیم

مسیح پیغمبر، کاهن و شاهم

مسیح است راستی مسیح است راهم

۳- مسیح است تاجم مسیح جلالم

مسیح همدردم چون در ملالم

مسیح در سما گنج اعظمم

مسیح تسلی هرگاه در غمم

۴- مسیح منجی‌ام مسیح آقایم

مسیح قسمتم مسیح مولایم

مسیح آرامم مسیح غذایم

مسیح شادی بی‌انتهایم

۵- مسیح به هر غم مسیح در شادی

مسیح از گناه دادم آزادی

بهر مرضم مسیح است شفا

در فاقه و فقر مسیح است غنا

فرزندان خدا هستیم در عیسی (۲)
 شاد و مسرور می‌سراییم نام قدوسش
 پر جلال و چه زیباست نام عیسی
 غم را گرفت شادی بخشید بهر ما (۲)
 دل شکسته را بخشید شفا و درمان
 پر جلال و چه زیباست نام عیسی
 سربازان خدا هستیم در عیسی (۲)
 شاد و پیروز در خداوند با قوت روح
 هَلْـلُـوِیـاه ، هَلْـلُـوِ هَلْـلُـوِیـاه

(نام مسیح پر جلال است بی نظیر و بی همتا
 اوست خدای تسلی‌ها قادر هم در سختی‌ها) (۲)
 او است پراز محبت و فیض که احسان کند هرانسانی را
 دهد آرامی و سلامتی در طوفان‌ها و در سختی‌ها
 اوست فقط صخره نجات ما

چه پر جلالی، چه پر شکوهی، پراز محبت و راستی (۲)

آئید به حضور او با تسبیح با شادی نامش سرائید
 آئید نام قدوسش حمد گوید در نجاتش شادی کنید
 چون خدای ما پادشاه است او خداوند این جهان است (۲)

۱- چون صدای منجی آید چون صدای منجی آید
 صلیب خود بردار و بیا (بندگردان)

هر جا رهبری کردم هر جا رهبری کردم
 با او روم، روم همواره

۲- گر چه از دره بگذرم گر چه از دره بگذرم
 با او روم، روم همواره

۳- گر روم تا جتسمانی گر روم تا جتسمانی
 با او روم، روم همواره

۴- او دهد فیض و جلالم او دهد فیض و جلالم
 حفظم کند، کند همواره

۱- چشمان خود را بسوی کوهها برمی‌افرازم
 که از آنجا اعانت من می‌آید
 اعانت من از جانب خداوند است

که آسمان و زمین را آفرید
 ۲- او نخواهد گذاشت که پای تو لغزش خورد
 او که حافظ تو است نخواهد خوابید
 اینک او که حافظ کلیسا است نمی‌خوابد

خداوند بدست راست سایه تو است
 ۳- آفتاب در روز به تو اذیت نخواهد رسانید
 و نه ماهتاب در شب، او جان تو را حفظ خواهد کرد
 خداوند تو را از هر بدی نگاه می‌دارد
 خداوند خروج و دخول را نگاه خواهد داشت

۱- همه چیز ای منجی از توس

از سوی تو و بهر توس

اموال من عطاى توس

جسم و جان و روح نیز از توس

(بندگردان)

خالق عالم تنها تو هستی

مالک جانم تنها تو هستی (۲)

۲- تویی صاحب و من ناظر

در همه جا هستی حاضر

امانتی است این جسم من

هم ثروت و هم وقت من

۳- تویی شبان گوسفندان

صاحب و مالک جهان

توبه من اموال داده‌ای

از من حسابش خواسته‌ای

کلامش می گوید دوستی هست از برادر چسبنده تر
نورش در تاریکی از هر ستاره‌ای درخشنده تر
بندگردان

روی دوست خود را با پند و اندرزها تیز می سازد او
با راه حل‌هایش عطریست دل و جان را شاد می سازد او

وقت افتادن‌ها فوراً دست گیرد و برخیزاند او
ای دوست عزیزم دانی عیسی باشد آن یار نیکو

ای خداوند وعده‌های تو چه عظیم است
بهر همه مؤمنین نور و یقین است
تو را خواهم ، تو را جویم ، درون قلبم
توئی راهم ، توئی نورم ، توئی شبانم

(بندگردان)

قلبم پر از حمد تو است مسیح عیسی
جز تو کسی رانخواهم من در این دنیا
تو را خواهم ، تو را جویم ، درون قلبم
توئی راهم ، توئی نورم ، توئی شبانم

ای خالق کل هستی اینک می‌آیم
با دعا و شکرگزاری تو را می‌خوانم
جانم اکنون مشتاق توس منجی دنیا
قلب مرا با حضورت مزین فرما

۱- من آزادی دارم ، تو آزادی داری ، همه ما آزادی داریم
من آزادی دارم ، تو آزادی داری ، همه ما آزادیم

(بند گردان)

خداوند گفت و شد ، زنجیرها پاره شد ، گناهان ما پاک شد ، هلولیا

۲- من آزادی دارم ، تو آزادی داری ، همه ما آزادیم
من آرامش دارم ، تو آرامش داری ، همه ما آرامش داریم
من آرامش دارم ، تو آرامش داری ، همه ما آرامیم

۳- من آرامش دارم ، تو آرامش داری ، همه ما آرامیم
من شادمانی دارم ، تو شادمانی داری ، همه ما شادمانی داریم
من شادمانی دارم ، تو شادمانی داری ، همه ما شادمانیم

۴- من شادمانی دارم ، تو شادمانی داری ، همه ما شادمانیم
من پیروزی دارم ، تو پیروزی داری ، همه ما پیروزی داریم
من پیروزی دارم ، تو پیروزی داری ، همه ما پیروزیم

من پیروزی دارم ، تو پیروزی داری ، همه ما پیروزیم

۱- پایدار بر وعده‌های شاهم عیسی
تا ابد تمجیدش کنم در هر جا
همواره ستایش کنم خدا را
بر وعده‌های خدا پایدار

(بند گردان)

پایدار پایدار
پایدار بر وعده‌های منجی‌ام خدا
پایدار پایدار
بر وعده‌های خداوند پایدار

۲- وعده‌هایش پایه‌ای محکم دارد
چون طوفان شک و ترس هجوم آورد
کلام زنده‌اش پیروزی بخشد

بر وعده‌های خدا پایدار
۳- از روی کلامش یقین می‌دانم
خون عیسی پاک نموده گناهم
اکنون من در منجی خود آزادم

بر وعده‌های خدا پایدار
۴- پایدار بر کلام خداوند عیسی
محبت او مجذوب کرده مرا
با شمشیر روح پیروزم بر دنیا

بر وعده‌های خدا پایدار
۵- پایدار بر کلام او ایستاده‌ام
ندای روح او باشد هادی‌ام
در منجی خود آرامش می‌یابم

بر وعده‌های خدا پایدار

۱- در پیشگاه تخت فیض مسیح سرود خوانیم (۲)

حضور خدا با ماست چون با دعاها رویم (۲)

۲- گر فقیریم یا غنی گر سالمیم یا بیمار (۲)

چون دردعا مصریم حضورش شود آشکار (۲)

۳- چون غمهای زمانه فکرم پریشان سازد (۲)

هرگز مأیوس نگردم او به دادم می‌رسد (۲)

۴- در بلایا و سختی تنها او ملجایم است (۲)

هرگز ترکم نکرده در طریق و راه راست (۲)

۱- قلبم شاد است چون با عیسی راه روم

بر نامش جلال باد چون با وی همی روم

قلبم شاد است چون با عیسی راه روم

هر روزه با خداوند راه روم

(بند گردان)

هـلـلـوـیا با خداوند راه روم

بر نامش جلال باد چون با وی همی روم

هـلـلـوـیا با خداوند راه روم

هر روزه با خداوند راه روم

۲- شیطان مغلوب چون با عیسی راه روم

بر نامش جلال باد چون با وی همی روم

شیطان مغلوب چون با عیسی راه روم

هر روزه با خداوند راه روم

۱- هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا

هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا

هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا

مسیح خداوند زود می‌آید

۲- بیدار شوید همه ایمانداران

از روح شوید پر نجات یافتگان

مژده دهید بهر گنهکاران

مسیح خداوند زود می‌آید

۳- هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا

هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا

هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا هـلـلـوـیا

مسیح خداوند زود می‌آید

۱- ندارم هیچ غم و غصه‌ای در دنیا وقتی هستم من در سختیها

با شادی و سرود مشتاق بهارم در مسیح من آن را می‌یابم

(بند گردان)

بهاران چه زیباست عیسی با گل‌های خوش‌بو و زیبا

خدایم بخشیده بهار سماوی همراه با صلیب جلجتا

۲- ای جوان تو بسپار زندگی خود را بهر خدمت خالق ما

تا رسد در پیری روزهای آرامی بهار روحانی از سما

۳- بر قلبها بتابد خورشید بهاران زندگی ما گردد احیاء

میوه‌های عالی بخشد روح خدا تا مقدس گردد کلیسا

۴- امداد نما باشیم همیشه وفادار مقدس زندگی نماییم

ضعیف غالب شود بر هر گناهی تا ابد بماند بهاران

می کشد بر دوش خود
 بین چه سان دارد محبت
 که از ازل بوده خدا
 لیکن آمد تا بجای
 تاج خاری را نگر
 آن دو مجرم را نگر
 لیکن عیسی همچنان
 راز هستی و خداوندی
 چون مسیحا بر صلیب
 آسمان از شرم خود
 گفت عیسی آه ای پدر
 چون ندانستند و با من
 چون گناهان بشر
 ذات قدوس پدر
 گفت عیسی آه ای پدر
 اوج دردم دیده‌ای
 گفت عیسی شد تمام
 ناله و شیون به پاشد
 جسم بی جانش کفن پیچ
 سنگ خارایی در قبرش

عیسی صلیب عاصیان
 آن خدای مهربان
 تا ابد باشد خدا
 عاصیان گردد جزا
 آن خنده نامردمان
 عیسی فتاده بین شان
 خاموش ماند، چیزی نگفت
 خود در نهفت
 جلجتا مصلوب شد
 تاریک و غم آلود شد
 از جرم اینان در گذر
 اینچنین کردند شر
 بر جسم عیسی درنشت
 از روی عیسی روی بست
 بهر چه ترکم کرده‌ای
 رویت زمن گردانده‌ای
 عاقبت جانش سپرد
 قلب عیسی چاک خورد
 اندرون قبر برفت
 نهاده شد به ضرب

(بندگردان)

آری ترک کردی بهرم آری ترک کردی بهرم

۱- ترک کردی جلال و شکوه سما

تا آشتی بدهی مرا با خدا

۲- ترک کردی جان خود بر روی صلیب

بخشیدی گناهم بدادی امید

۳- ترک کنم پدر و مادرم بهرت

ترک کنم خواهر و برادر بهرت

آری ترک کنم بهرت آری ترک کنم بهرت

۴- ترک کنم اموالم ترک کنم جانم

ترک کنم هر آنچه در دنیا دارم

آری ترک کنم بهرت آری ترک کنم بهرت

هللویا هللویا هللویا هللویا

۱- در طریق زندگی در این جهان

سوی تو آیم با قلب و روح و جان
راه تنگ تو بود مسیر من
روح قدوست بود هادی من (۲)

(بند گردان)

ای مسیح ، ای مسیح ، مرکز امید و شادی ام تویی (۲)
در وجود من نباشد هیچ غمی ، مرکز امید و شادی ام ای مسیح

۲- شادی تو ای مسیح قوت ماست

وعددهای الهی ثروت ماست
تقدیمت کنم این روح و جسم و جان
تا شوم شبیه رب عالمیان (۲)

۳- آتش روح قدوست ای مسیح

شعله ور سازد وجود آدمی
جرأت و دلیری بخشد او به ما
تا اعلام نمایم پیام خدا (۲)

خداوند نور و نجات من است از که بترسم
خداوند ملجای جان من است از که هراسان شوم
خداوند نور و نجات من است از که بترسم
اگر لشگری بر من فرود آید دلم نخواهد ترسید
اگر جنگ بر من برپا شود در این نیز اطمینان خواهم داشت
خداوند نور و نجات من است از که بترسم

بگذار در بر گیرد وجودت
با روح القدس و نورش
قلب و جانت را لبریز کند از خود
بیا آزاد شو از اسارت
تا روحش چون کبوتر
فرود آید بر تو و زندگیت

(بند گردان)

عیسی ، ای عیسی ، بیا و پر کن ما را (۲)

اکنون سرودی دیگر سر ده
با قلبی لبریز از عشق
با دستانی باز بسپار خود را به او
غمهایت را بریز به پایش
اشک های گذشته نیز
و حیاتی نو یاب در نام عیسی

ای تو پاکترین، زیبا، عالیتترین
 خدای پدر، روح القدس، تو عیسی
 (جلالت دهیم، نزدیکت شویم
 در حضورت شادمانی کنیم) (۲)
 تویی باوفا بخشنده پر از فیض
 هم تویی شفا، دهی تو نجات
 (شکرت گوئیم، حمدت خوانیم
 در حضورت تسبیحت خوانیم) (۲)
 پر قدرت و قدوس خدای قادر
 تو که بودی، هستی، خواهی آمد
 (می پرستیمت می ستایمت
 به حضورت با رقص میائیم) (۲)

۱- خواهم سرایم بهرت خدایم
 با شعری تازه حمدت نمایم
 حمدت نمایم
 نام تو پر جلال و زیبا
 بخشد به جان و روح و دلها
 آب حیات و زندگی را
 ای مسیحایا
 (بندگردان)
 لب تشنه به سوی تو آیم
 آب حیات در تو بیابم
 فرزند والای خداوند
 ای مسیحایا

۲- با شادمانی از دل سرایم
 بهر نجاتم شکرت نمایم
 شکرت نمایم
 فیض نمایان در مسیحا
 شستی مرا در خون عیسی
 سرشارم از مهرت خدایا
 هلالویا
 ۳- نامت عظیم است آرامی جان
 پیروزی من ای شاه شاهان
 ای شاه شاهان
 با ساز و رقص و شادمانی
 در جشن تو ای جاودانی
 در حمد بره می سرایم
 ای مسیحایا

۱- گر چه انجیر شکوفه نیاورد
 هلالو ، هلالویا
 میوه در موها یافت نشود
 هلالو ، هلالویا

(بندگردان)

هلالویا ، هلالویا ، هلالویا
 هلالو ، هلالویا

۲- گر حاصل زیتون ضایع گردد
 هلالو ، هلالویا
 مزرعه ها آذوقه ندهند
 هلالو ، هلالویا

۳- گله ها از آغل منتقطع شود
 هلالو ، هلالویا

رمله ها در طویله ها نباشد
 هلالو ، هلالویا

۴- لیکن در خداوند شادمان خواهم شد
 هلالو ، هلالویا

در خدای خویش وجد خواهم نمود
 هلالو ، هلالویا

۱- تصمیم گرفتم در پی اش روم
 تصمیم گرفتم در پی اش روم
 در پی عیسی هر روزه
 ۲- گرچه در پی اش نرود کسی
 گرچه در پی اش نرود کسی
 در پی عیسی هر روزه
 ۳- پشت بر جهان و رویم بر صلیب
 پشت بر جهان و رویم بر صلیب
 در پی عیسی هر روزه

۱- وعده‌های عظیم خداوندم بخشد توان در تنگی و جفا
حضور روح قدوس خدا تجهیز نموده دل‌های ما

(بندگردان)

اندر جفاها و در تنگیها مددکارم یافت شود در هر جا
همه چیز بهر خیریت ماست تا زندگی کنیم در راه راست

۲- فرشته خدا گرداگرد ماست تا رهاوند ما را از خطرها
«مویی از سرتان گم نخواهد شد» اینست وعده خداوند عیسی
۳- کیست که ما را از محبت عیسی جدا سازد یا دور نماید
نه شکنجه یا قهر دشمنان چون عیسی در وجود ما ماند

۱- خدایا سرایم سرود نجات
که رهاوندی از موت بدادی حیات
ز دست تو گشته ظفرها پدید
به خون مسیحا که ما را خرید
(بندگردان)

لباس عدالت کردی عطا
سلاح تام خدا نزد ما
به ضد شریر جنگ نیکو کنم
که تاج حیات را بدست آورم

۲- خدایا تویی حافظ مؤمنین
ز تیرها و دام شریر در کمین
کلامت به ما درس زیستن دهد
ز حکمت شویم پر چو روح دمد

۳- خدایا تو چشم دلم باز نما
که تشخیص دهم راه راست و خطا
ز مکرهای ابلیس شوم با خبر
رهای دهی تو مرا از خطر

(ملجای من تویی، مأوای من تویی)

لبریز کن قلبم از سرود رهایی

امیدم بر توست (۲)

امیدم بر توست، ضعیف گوید قوی هستم

در تو ای خداوند، امیدم بر توست

ای تمامی روی زمین او را آواز شادی دهید

به خانه اش با حمد بیایید به صحن هایش با تسبیح

(بندگران)

شادی کنید در نجات خدا، شادی کنید در خالق ما

شادی کنید در قدیم الایام، شادی کنید در نور جهان (۲)

او را آواز شادی دهید زیرا خداوند نیکو است

رحمتش تا ابدالابد امانتش ثابت چون کوه است

(آسمان گوید جلال و شکوه عیسی

کیست همچو او نوبر قیام کردگان) (۲)

(بندگردان)

تا ابد تو هستی بره تخت نشین

نزدت زانو زنم و تو را پرستم

(اعلام کنم زیبایی خداوندم

او فدیة گشت بهر نجات انسانها) (۲)

(نیست هیچ قصاصی بر آنانی که در مسیح عیسایند) (۲)

زیرا شریعت روح که در مسیحاست آزادم کرد ز قید مرگ و گناه

(نیست هیچ قصاصی بر آنانی که در مسیح عیسایند) (۲)

هرجا روح خداست آنجا آزادیست (۴)

هللویا شکر هللویا (۳) هللویا شکرش هللویا

هرجا روح خداست آنجا شادمانیست (۴)

هللویا شکر هللویا (۳) هللویا شکرش هللویا

هرجا روح خداست آنجا پیروزیست (۴)

هللویا شکر هللویا (۳) هللویا شکرش هللویا

۱- دارم در قلب خود سرودی سرود شادمانی

چونکه عصیانم را بخشیدی حال در تو شادم

(بندگردان)

حال در تو شادم شادم حال در تو شادم

مسیحا چون آمدی به قلبم حال در تو شادم

۲- مهر عجیب در دل دارم هرگز غم ندارم

در وادی تاریک نیز خوانم حال در تو شادم

۱- بشنو صدای عیسی را که می خواند تو را

نزد من بیا ای خسته آرامش دهم تو را

(بندگردان)

بر در قلبت ایستاده در را همی کوید

بگشا تا داخل شوم می گویدت عیسی

۲- ای که مرده ای در گناه عمرت گشته تباه

گشته از راه حق گمراه می جویدت عیسی

۳- "من راه و راستی و نورم" "من نان حیاتم"

"من ناجی و من شفیع" "من آب زندگی ام"

۴- هان روز نجات است الآن برخیز از مردگان

به قلبت عیسی را بخوان کند تو را رخشان

۱- امروز چه روزیست روز شادی

غمها ز جانها می گریزند
چون عیسی خود را کرده عیان
دلها ز مهر او لبریزند
(بندگردان)

عیسی امیدم امید جانم

عیسی مونس شیرین زبانم (۲)

۲- عیسی سلطان مهر و وفا

آمده از جانب خدا

امروز دعوت می کند تو را

ای دوست بشنو صدای او را

۳- ای آنکه مرده ای در گناه

بر خیز و بیا نزد عیسی

بگو خداوند ببخش مرا

به ایمان پاک و بی ریا

۱- نزد عیسی، نزد عیسی، نزد عیسی بیا

امروز نزد عیسی نزد عیسی بیا

۲- قادر است او، حاضر است او، بخشدت او امروز

امروز بخشدت او بخشدت او امروز

۳- جستجو کن، هان دعا کن، می پذیرد امروز

امروز می پذیرد می پذیرد امروز

۴- می کند رحم، می کند عفو، می کند پاک امروز

امروز می کند پاک می کند پاک امروز

۵- دوست دارد، تو را خواهد، ردش مکن امروز

امروز ردش مکن ردش مکن امروز

روح القدس مرا لمس نما (۲)

ریزد بر قلبم روحش از سما مقدس گردد اینک کلیسا

ریزد بر قلبم روحش از سما تا وارث مسح گردد کلیسا

روح القدس ریزد، روح القدس ریزد، بر روح و بر جانم

چون نسیم ز کوهساران می وزد روحش بر ما

همچون باران بهاران می ریزد روحش بر ما

همچون آتش مشتعل گرم نماید قلبم را، گرم نماید قلبم را

روح القدس ریزد روح القدس ریزد بر روح و بر جانم

عیسی صخره من است و من در او شادم (۴)

شادی ما شادی دنیایی نیست (۳)

هیچ چیز آنرا از من نخواهد گرفت

عیسی صخره من است و من در او شادم (۲)

۱- حمد او همیشه بر زبان من است دهانم نیز پر از ذکر اوست

فروتنان شنوند صدای او را او محزونان را چو من شاد کند

(بندگردان)

(آئید نام او را افزایم ستاییم با هم نام او تا ابدالاباد سراییم

او که آزاد کرد ما را از ترسها از دردها با هم نام او را بسراییم)

۲- فرشتگانش گرد ترسندگان او تا رهانندشان از خطرها

حتی شیربچه گان نیز گرسنه می مانند اما محبتش را کمی نیست

۳- آئید شنوید از من از وعده های او که عجیب است و چه پر جلال

باید بدانی حکمش آنچه را که گفته تا بشنود خداوند فریادت

۱- میخوام آواز بخونم از این نجات که دارم
 با خون پاکش عیسی رهانید از گناهم
 با آن فرشتگانش میخوام حمدش بگویم
 که از آن وادی موت رهانیده خدایم

انسان غافل مسیح چه خوبه چونکه منجی ماست
 مسیحا باشد امروز همدم تا ابدالاباد

۲- مسیح آمد به قلبم بخشید حیات بجانم
 روح خود را بمن داد تولدی نوام داد
 حالا که من چشیدم محبت خدا را
 میخوام شاهد عیسی بمانم تا بیاید

۳- میخوام دو بال در آرم پرواز کنم بسویش
 استقبالش بکنم در آنجا بین ابرها
 میخوام با ساز و آواز در جشن او سرایم
 در جمع ایمانداران بره را بستایم

۱- اندر این جهان مملو از گناه

دور از آب حیات و راستی و راه
 سرگردان و بی‌پناه و ناامید
 به انتظار که چاره‌ای گردد پدید

(بندگردان)

ای منجی‌ام تویی خدای من
 ای سرورم تویی شفای من
 ای رهبرم تویی امید من
 مسیح ای تنها منجی جهان (۲)

۲- اینک از گناه و غم آزادم من

بین چگونه در حضورش شادم من
 دائماً قلبم در جستجوی اوست
 دانم که این همه از فیض و رحم اوست

۳- قلب تو ای دوست گر در فغان بود

عیسی را بخوان تا شیطان دور شود
 در روح و وجودت حکمرانی کند
 آرامش مسیح در تو پدید آید

۱- عیسی مسیح آمد ، بر صلیب جان بداد
خون پاکش بریخت ، از گناه کرد آزاد
او را ستایم ، از دل سرایم ، معبودم عیسی

۲- با دست مقدس ، کوران را بینا ساخت
ابرصان را طاهر ، مردگان را زنده
او را ستایم ، از دل سرایم ، معبودم عیسی

۳- زندگیم عوض کرد ، تولدی نو داد
روح القدس بخشید ، از ظلمت رهانید
او را ستایم ، از دل سرایم ، معبودم عیسی

۱- پیرو مسیح خداوند در جهان
پیام آور نجات بهر هالکان
(بندگردان)

بهر همه رهایی است از تاریکی بسوی نور
تعجیل نما کنون دیر باشد فردای دور

۲- تا به کی بی تفاوت ادامه دهی
مسیح بازگشت کند نمانده وقت باقی

۳- در بیابان عمر زمزمه‌اش شنو
آخرین مهلت است سوی عیسی برو

آسمانا آسمان تویی تنها شاهد
منجیم با ابرها رفت با ابرها نیز باز می‌آید
مثل داماد از برای بردن عروس میاید (۲)

عروس تو کلیساست مشتاق دیدار توست
گفته‌ای که زود میایی چشمانش به راه توست
مثل داماد از برای بردن عروس میاید (۲)

با خون پاک عیسی گناهانم محو شده
تاج زیبای جلال بهرم می‌هیا شده
مثل داماد از برای بردن عروس میاید (۲)

۱- سخن بگو از عمقهای وجود خود تو با ما (۲)
بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما
پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

۲- بر مذبحهای ما بریز آتش آسمانی (۲)
بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما
پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

۳- بنا نما نمونه آسمان را بر زمین (۲)
بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما
پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

۴- عیسی بریز محبت الهی را تو بر ما (۲)
بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما
پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

یک شب تنهای تنها غرق بودم درون غم
 در این دنیای فانی نبود برایم و طــــن
 آسمان دنیای من خورشیدی نداشت
 شیطان در زمین قلبم بذر غم می کاشت
 بین آن تاریکی‌ها چشم من نوری را دید
 فریاد زدم ای خدا او صدایم را شنید
 او عیسی بود او عیسی بود نزد من آمد
 بایک دنیا شادی آمد بر قلبم نشست
 چون نورش تابید بر من روشن شد دنیای من
 شیطان تا عیسی را دید تختش را برداشت گریخت
 (دیگر امروز آزادم من از دام غم‌ها
 می‌سرایم هــــللو یا برنام عیسی) ۲

(بندگردان)

پرواز پرواز آرزوی من
 رسیدن به عیسی در وجود من (۲)
 ۱- چند سالی که از خدا دور بودم
 با وجود چشم‌ام مثل کورها بودم
 ۲- چند سالی که از خدا دور بودم
 با وجود گوش‌هام مثل کرها بودم
 ۳- چند سالی که از خدا دور بودم
 با وجود زبان مثل لاله‌ها بودم

۱- گراز گناه آزادی می‌خواهی
 در خون عیسی این قدرت است
 گر بر شیطان تسلط می‌خواهی
 در خون عیسی قدرت است
 (بندگردان)
 قدرتی است بی حد معجز آسا در خون مسیح
 قدرتی است بی حد معجز آسا در خون بره‌ خدا
 ۲- گراز غرور آزادی می‌خواهی
 در خون پاکش این قدرت است
 از عادات زشت آزادی یابی
 در خون عیسی قدرت است
 ۳- گر خواهی از برف سفیدتر شوی
 در خون عیسی این قدرت هست
 شفا از مرض‌های می‌خواهی
 در خون عیسی قدرت هست
 ۴- گر می‌خواهی او را خدمت کنی
 در خون پاکش این قدرت هست
 در زندگی‌ات تمجیدش کنی
 در خون عیسی قدرت هست

۱- گر پشتت به بار گران خم گشته

در سفر خسته‌ای بخت برگشته

دلیر باش و بشنو امر منجیات

عیسی داند ضعف او دهد جرأت

(بندگردان)

عیسی می‌داند، راههایش نیکوست

تو را می‌خواند، آرامش در اوست

بسپار آینده‌ات به دست استاد

گر شادی یا محزون عیسی می‌داند

۲- هر بار گران را او برمی‌دارد

در غم و اندیشه ترا دوست دارد

در صحرای سوزان راه را می‌داند

دلیر باش ای خسته عیسی می‌داند

۳- گر امتحانت آید عیسی داند

مشکل زندگی را او حل کند

رو خدمتش کن هر جا می‌فرماید

شک را از خود دور کن عیسی می‌داند

۴- "آرامی بخشم تو را" گوید عیسی

گر چه دشوار گردد راحت در دنیا

بسپار آینده‌ات به دست استاد

گر شادی یا محزون عیسی می‌داند

پیروزی هست، آزادی هست

پیروزی هست در نام تو عیسی

پر جلال است، پر قدرت است

پر جلال تنها نام تو عیسی

چون ترسان شوم، جانم خم شود

باز در تو ظفر خواهم یافت

(آنگه سرایم، باز هم سرایم)

پیروزی هست در نام تو عیسی (۲)

روح القدس

تازه کن روحم با لمس خود

روشن کن افکار مرا با نور خود

پر نما قلب مرا از نیکویت

سیراب نما از نهر آب حیات

(بندگردان)

جلال، بر تو پدر بهر روح القدس

جلال، ای خداوند بهر روح پاکت

جلال، بر تو پدر بهر روح القدس

جلال بر تو، جلال بر تو، پدر (۲)

هـللويا (۸)

روح القدس

تازه کن روحم با قدرتت

روح القدس زندگیم را تبدیل نما

روح القدس جاری کن مهر منجم را

روح القدس تقدیس کن با کلامت

همهٔ مؤمنین با هم دستک زنیم با شادی، با فریاد شادمانی
 همهٔ مؤمنین با هم دستک زنیم با شادی، بهر عیسی
 گوئیم هلولیا، هلولیا (۲)
 در این عالم یک خداوند عیسی مسیح (۲)
 اوست خداوند آسمانها خداوند همهٔ مؤمنان
 گوئیم هلولیا، هلولیا (۲)

او قادر است، او حاکم است جلال بر نام خداوند
 زیرا خدای قادر ما سلطنت می‌کند
 او قادر است، او حاکم است جلال بر نام خداوند
 خداوند را بسرائید زیرا سلطنت می‌کند

(او را دائما "پرستم او را دائما" پرستم
 سرودش بر زبانم خواهد بود) ۲
 (آیید او را با من پرستید، نام قدوسش را برافرازید) ۲
 او را دائما پرستم او را دائما پرستم
 سرودش بر زبانم خواهد بود

۱- گر خسته‌ای دلت پر ز اندوه
 به عیسی بگو به عیسی بگو
 گر شادی و وجد گریخته از تو
 فقط به عیسی بگو
 (بندگردان)
 به عیسی بگو به عیسی بگو بهترین دوست تو اوست
 نیست در جهان دوستی بهتر از او
 فقط به عیسی بگو

۲- گر ز چشمانت اشک غم جاریست
 به عیسی بگو به عیسی بگو
 گر گناهای در دلت مخفی است
 فقط به عیسی بگو
 ۳- از ابر تیرهٔ غم ترسانی
 به عیسی بگو به عیسی بگو
 گر ز فردای خود هراسانی
 فقط به عیسی بگو
 ۴- گر از اندیشهٔ مرگ لرزانی
 به عیسی بگو به عیسی بگو
 گر بازگشت مسیح را خواهانی
 فقط به عیسی بگو

۱- آیا از بهر عمر پر طوفان محکم است لنگر و کشتیان
وقت رعدوبرق باد و جزر و مد فوراً شود غرق یا به پا ماند
(بندگردان)

سفت و پر زور است لنگر ما چه غم که دوراست بندر ما
داریم چون مسیح کشتیانی نترسیم از دریای طوفانی
۲- همینکه محکم بسته شد اوتار به صخره‌ای ثابت اعصار
سفینه پیوست به نیروی رب کی آنرا شکست عاصفه شر
۳- از پس باد و امواج حائل پدیدار شود روزی ساحل
آنگاه با شادی افکنیم لنگر یافته آزادی اندر آن بندر

۱- آه چه زیباست که شوند جمع مقدسین یکدل با هم
در حضور خدای ما درخانه پدر ما
(بندگردان)

ایمانداران بیایید بپرستیم یکصدا با هم
با یکدلی، مقدسین، جلال دهیم خداوند را

۲- آه چه زیباست خانه ما مسیح ما میان ما
پدر ما در آسمان پر از مهر است کلبه ما
۳- آه چه زیباست آن کلیسا که سر آن بود عیسی
اعضای آن مقدسین خانواده پاک خدا
۴- آه چه زیباست مسکن ما به ز قصرهای این دنیا
گر چه حقیر است این کلبه لیکن عیسی باشد آنجا

بیائید با هم یک نفس یک صدا
بپرستیم نام عیسی را
محبت خدا فیض عظیمش را
بخشید حیات نو در عیسی
اوست چشمه حیات شادی قلب پاک
مسیح است نام خدای ما
بیائید با هم یک نفس یک صدا
بپرستیم نام خدا را
(آئید خوانیم دست زنیم، دست زنیم
بپرستیم نام خدا را
او شایسته حمد و پرستشها ست
هللویا بر عیسی) (۲)

۱- مسیح است نورم مسیح حیاتم راه و راستی وهم نجاتم (۲)
(بندگردان)

هللویا هللویا حیات عیسی افزون در ما
هللویا هللویا جلال عیسی افزون در ما
۲- بیائید فیضش را بسرانیم از دل و جان سرود بخوانیم (۲)
۳- اعلان نمائیم فیض عیسی را آن ناجی و آن خداوند را (۲)
تو پر جلالی تو پادشاهی جلالت می دهیم ای عیسی (۲)

شاه شاهان مالک هستی جلال هللویا (۲)
عیسی خداوند قدیر هللویا (۲)
ناجی عالم شبان اعظم جلال هللویا (۲)
عیسی خداوند قدیر هللویا (۲)
ای نور عالم امید جانم جلال هللویا (۲)
عیسی خداوند قدیر هللویا (۲)

۱- اکنون آمده‌ایم به حضورت عیسی

مشتاق ملاقات هستیم

می‌خواهیم عیسی تو با ما بمانی

منتظر هستیم محبوب جان

مبارک نما ای عیسای محبوب همه وجود ما را (۲)

۲- برکت ندهی نروم ، نروم

می‌مانم در حضور تو

می‌خواهیم با ایمان در ما ظاهر شوی

قوت را ظاهر نمایی

مبارک نما ای عیسای محبوب همه وجود ما را (۲)

۳- با ایمان آمده به ایمان پذیرم

برکت سماوی

تشنه‌ام تشنه حضور آسمان

سیرابم نما چشمه جان

مبارک نما ای عیسای محبوب همه وجود ما را (۲)

شادی نمائیم ، شادی نمائیم شادی نمائیم با عیسی (۲)

مسح نمود با روحش عیسی لبریز نمود کاسه‌ام را

حضورش همواره با ما بخشیده نیکویی صفا

۱- یادمه آن قدیما که غرق بودم توی گناه

چه روزهای تاریکی می‌لولیدم توی گناه

اما عیسی آمد در دل مرا صدا کرد

زنجیرهای غم را از دست و پام رها کرد (۲)

دیگر امروز تنها خدا را می‌پرستم

من این همه شادی را مدیون عیسی هستم

عیسی سلطان من سلطان مهر و وفاست

عیسی نجات من نجات همه قومهاست

۲- می‌خوام اکنون او مرا با روح خود لبریز کند

این دل شکسته را با مهر خود شفا دهد

اکنون در آسمان فرشته‌ها خوشحالند

برای این لحظه جشن بزرگی دارند (۲)

چرا من نکشم دست از کارهای دنیا

چرا من نباشم شریک این خوشیها

باران محبت بر قلب من می‌بارد

چه امید شادی به ارمغان می‌آرد

- ۱- نان حیات هستم نان حیات هستم
 به من ایمان بیاورید (۲)
 (بندگردان)
 پیش از تولد ابراهیم
 من بودم و هستم (۲)
- ۲- نور جهان هستم نور جهان هستم
 به من ایمان بیاورید (۲)
- ۳- راه و راستی هستم راه و راستی هستم
 به من ایمان بیاورد (۲)
- ۴- قیامت و حیات هستم قیامت و حیات هستم
 به من ایمان بیاورید (۲)

- ۱- وقتی دل شکسته گرانبار و خسته
 در ظلمت گناه گم گشته
 به پای صلیب افتادم پشیمان
 وز آنجا تابید نور ایمان
 (بندگردان)
 مسیحا مسیحا نورت بر من تابید
 مرا از گناهان رهانید رهانید
 مسیحا نگاهت آن مهر و صفایت
 مرا بخشید شادی و حیات
- ۲- گر چه مسکین و کور لیکن پر از غرور
 تا بار گناهم شد آشکار
 آنکه من به پای آن مصلوب افتادم
 آنجا از ظلمت کرد آزادم
- ۳- حال ظلمت رخت بسته بندهایم گسسته
 طلوع کرده عیسی در قلبم
 مسیحا نگاهم به نور روی توست
 نجاتم ز فیض و رحم توست

- ۱- هلولویا، خداوند را تمجید نمائید
 کارهای عظیم او را اقرار نمائید
 رحمت تو عظیم است فوق آسمانها
 مسکن ما تو هستی در جمیع نسلها
 (بندگردان)
 نام عیسی را بر می افرازیم با تسبیح و سرودهای شادی
 نیکو بنوازید مغنیان بسرائید با آهنگ شادی
 ۲- ضعیفان را قوت می بخشد نام عیسی
 بهر ناتوانان قدرت است نام عیسی
 برتر است نام تو از جمیع خدایان
 برتر است نام تو از کل پادشاهان
 ۳- ردای تسبیح را بر تن من نمودی
 به جای خاکستر غم، روغن شادی
 شجاعان بدون خداوند افتاده اند
 چون عقاب منتظرانش پرواز کرده اند

- جشن عظیمی است باید سرائیم سرودها بهر خداوند (۲)
 حمدش کنیم سرودی تازه سرائیم (۲)
 هلولویا، هلولویا، هلولویا، هلولو، هلولویا (۲)

تقدیم نمایم خود را با حمد ای روح خدا
 شکر که هدیه نمودی عیسی را به ما
 ملجا و صخره من پدر ای سرور من
 شکر که هدیه نمودی عیسی را به ما
 (ضعیف گوید قوی هستم در فقر غنی هستم)
 (این است طریق خدای زنده) (۲)

آیید به حضور او با تسبیح با شادی نامش سراریم
 آیید نام قدوسش حمد گویم در نجاتش شادی کنیم
 (چون خدای ما پادشاه است او خداوند این جهان است) ۲

در قصرهای او داخل شو خداوند را سجده کن
 در قصرهای او داخل شو جلال و شکوهش بین
 بحضور قدوسش برو او را ستایش کن
 در قصرهای او داخل شو متبدل خواهی شد

۱- آرامش و شادی یافته‌ام
 در هر چیزی که می بینم شگفتی است
 نه ابری در آسمان، نه تیرگی در قلبم
 چون مسیح مرا محبت می کند
 روز و شب با محبت او
 چشمه‌ای در قلبمان شده جاری
 چشمه آب حیات، که می‌بخشد زندگی
 پر از الفت و مهر منجی ما
 (بندگردان)

در اوج شادی و پیروزی‌ام
 با روح پر جلالش
 مملو از قدرت الهی
 که بخشد توانایی
 در برابر هوسها
 هوسهای زود گذر این دنیا

۲- راههای او چقدر عجیب است
 نتوانم با کلمات بگویم
 کار عظیم او، بر صلیب جلجتا
 رهانید مرا از بند گناهان
 امیدی که من به او دارم
 چون پس از مرگ زنده شد از مردگان
 تا ابد در حضورش، او را خواهم پرستید
 بخاطر آن نجات عظیمش

۱- وقتی چون گنهکاری
در زیر بار گناه
منجی شنید فریادم
چون عیسی برداشت بارم

به پایش افتادم
عیسی صدا دادم
از بند کرد آزادم
مرا شادی بخشید

(بندگردان)

آری او برداشت بارم
آری او برداشت بارم
عیسی شنید فریادم
چون عیسی برداشت بارم

بار گناه هم را
با مهر بی همتا
از بند کرد آزادم
مرا شادی بخشید

۲- وقتی در غم و اندوه
با ضعف و دل شکسته
صدای منجی آمد
آنگاه او برداشت بارم

مأیوس و سرگردان
در رنج بی پایان
من با توام دائم
مرا شادی بخشید

۳- راه حیات جاوید
اوست رهنما و هادی
وقتی به سما رسم
گویم او برداشت بارم

فقط عیسی داند
در قلب من ماند
با حمد سرود خوانم
مرا شادی بخشید

اوست خدای قادر
ای زمین و آسمان
سرائید عیسی را
تسبیحش بخوانیم
بهرش دستک زنیم
با بربط و کرنا
سرائید عیسی را

۱- در حضور خداوند
شادان و مسروریم ما
ما را از روح پرکرده
از دل او را ستاییم

ها هلهلویا روح او در ماست (۲)

۲- خداوند شبان ماست
او راه و راستی ماست
ما را نیز حفظ می کند
هر جا ما را می برد

ها هلهلویا روح او در ماست (۲)

۳- او شایسته حمد است
تسبیحات او را سزااست
با قوت خداوند
نامش را برافرازیم

ها هلهلویا روح او در ماست (۲)

گوییم هـللويا ، شکرش هـللويا ، حمدش هـللويا
ستایش کنیم نام عیسی را (۲)
نجات داده است مرا ، بخشیده گناهم را ، از روح پر کرده مرا
ستایش کنم نام عیسی را (۲)
من عیسی را دوست دارم ، عیسی مرا دوست دارد ، من عیسی را دوست دارم
ستایش کنم نام عیسی را (۲)

باید سرایم تمجید نمایم نام عیسی منجی خود را
تا آخرین لحظه عمر باید تمجید کنم نام او را (۲)

عیسی عیسی عیسی مسیح خداوند
چقدر مرا دوست می داری دوست دارم ، دوست دارم

بچشید و ببینید که خداوند نیکوست (۴)
کاخی زهم سازیم او را برافرازیم
با قلب و زبان باحمد و شکرگویان بهر شاه شاهان
بهرش سرود خوانیم با شادی سراییم
مهرش بی زوال آن شاه پر جلال وصفش را سراییم
بهرش سرود خوانیم
بچشید و ببینید که خداوند نیکوست (۴)

۱- فیض عظیم مسیحا نجات داده مرا
سرگردان و کوری بودم اکنون بینم او را
۲- فیض خدا رهایم کرد ز هر ترس و گناه
ظاهر بنمود در مسیحا محبت خود را
۳- فیض خدا در این دنیا هدایت کند
پاکم سازد ز هر خطا روحم شادان شود
۴- فیض خدا در آسمان تابد بر روح و جان
سرود و حمدش سراییم ، این فیض بیکران

۱- آه چه ظلمتی تسخیر نمود دلم
یاد درد و رنج منجی ام
چون به قلب سیاهم نظر نمود
ظلمت غلیظ از من بزود
(بندگردان)
راه جلجتا را او پیمود بهرم پیمود بهرم پیمود بهرم
راه جلجتا را او پیمود بهرم تا بخشد حیاتم
۲- ترسان و لرزان به پایش افتادم
در شک و تردید از نجاتم
آنگه از درونم این ندا رسید
"مسیح گناهایت آمرزید"
۳- عیسی محبتش را ظاهر نمود
راه جلجتا را او پیمود
ترک نمود شکوه آسمانی را
جلال بر نام شاهم عیسی

۱- پناهم شد آن صخره
خون و آب جاری گشته
گناهم را گشت چاره
۲- احسان و خیر و صواب
گرچه ریاضت کشم
هیچ یک نشوید مرا
۳- کنون نزدت می آیم
عریان ز نیکویی ام
چشمه پهلوی تو
۴- چون دم آخر رسد
پرواز کنم به سما
پناهم شوی آنکه

در او مسکن گزینم
ز پهلوی منجیم
بشست قلب سیاهم
نسازد طاهر قلبم
روز و شب ریزد اشکم
تنها تویی چاره ام
به صلیب می نگریم
تو بپوشان این تنم
زداید هر لکه ام
مرگ ببندد چشمانم
تو را بر تخت بینم
در تو مسکن گزینم

۱- ای منجی و ای شاه من
خونت ریختی در راه من
۲- هلاک بودم بدون تو
وجود من مدیون تو
۳- از بهر من مصلوب شدی
در قلب من محبوب شدی
۴- هدایتم کلام توست
سعادت من در نام توست
۵- در شب تاریک دیوچورم
در وادی موت مسرورم

تویی فقط دلخواه من
کردی رفع گناه من
نجات یافتم در خون تو
چون ذبح شدی در راه من
چون خطا کار محسوب شدی
صلیب توست نگاه من
عدالت من قیام توست
در این عمر کوتاه من
تویی ستاره نورم
چون توهستی همراه من

با دستهایی باز دهانی پر از حمد
با قلبی شکرگزار تو را می ستایم
تو را می ستایم تو را می ستایم
با قلبی شکرگزار تو را می ستایم

زیرا تو ای خداوند خالق عالمیان

برتر ز هر قدرتی در آسمان (۲)

جلال از توست جلال از توست

جلال از توست عیسی (۲)

زیرا تو ای خداوند خالق عالمیان

برتر ز هر قدرتی در آسمان (۲)

چشمانم بگشا عیسی را ببینم
به پای او افتم گویم دوستش دارم
گوشه هایم بگشا آوازش بشنوم
چشمانم بگشا عیسی را ببینم

جان من خداوند را متبارک بخوان

وجود من نامش متبارک خواند

اوست سلطان (تا ابد هملویا)

خداوند (تا ابد هملویا)

اوست سلطان (تا ابد هملویا)

اوست سلطان و خداوند

جان من خداوند را متبارک بخوان

وجود من نامش متبارک خواند

۱- خداوندا نگاهم دار در زیر خون بی همتا
گناهان و ترسم بردار با خون پربها
(بندگردان)

در زیر خون پربها که بخشد پاکی و شفا
هر روز مرا نگاه دار با خون پربها

۲- پناهگاه گناهکاران در زیر خون بی همتا
نجات یابیم محض ایمان به خون پربها
۳- خدایا ز روحم پر ساز در زیر خون بی همتا
فیض و قدرت عطا فرما با خون پربها
۴- پر از آرامش می گردم در زیر خون بی همتا
قلبم لبریز از شوق اوست با خون پربها

۱- باران آخر می خواهیم این است وعده خدا
کز منجی نازل می شود باران روح خدا
(بندگردان)

باران آخر قطره های فیض می بارد
باران روح القدس رگبارش را می خواهیم

۲- باران آخر می خواهیم که بخشد حیات نو
بر روی باغ کلیسا ای روح اکنون نازل شو
۳- باران آخر می خواهیم نهرهای آب زنده
تا سیراب شود این دشتها همه دل های تشنه
۴- باران آخر می خواهیم از بهر پیر و جوان
نام مسیح را بخوانیم بادلای پر از ایمان

خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید
در اعلی علین او را تسبیحش بخوانید دائما

هللویا ، هللویا ، هللویا
هللویا، هللویا، هللویا شکر بر او

همه فرشتگان او را تسبیح بخوانید
همه لشکرهای او، او را تسبیح بخوانید تا ابد

هللویا ، هللویا ، هللویا
هللویا، هللویا، هللویا شکر بر او

با دف و رقص او را با هم تسبیح بخوانید
هر که روح دارد خداوند را تسبیح بخواند هر روز

هللویا ، هللویا ، هللویا
هللویا، هللویا، هللویا شکر تا ابد
هللویا، هللویا، هللویا شکر بر او

خداوند ، خداوند
از مردگان برخاسته ، خداوند
هرزانویی خم شود ، هر زبانی بگوید
عیسی خداوند است

خدا نیکوست خدا نیکوست
خدا نیکوست او نیکوست بهر من

اینست روزی، اینست روزی که خداوند ساخت که خداوند ساخت
شادی کنیم، شادی کنیم و وجد نماییم و وجد نماییم
اینست روزی که خداوند ساخت، شادی کنیم و وجد نماییم
اینست روزی، اینست روزی که خداوند ساخت

هَلَلُویَا، هَلَلُویَا، هَلَلُویَا، هَلَلُویَا، شکر خدا را
هَلَلُویَا، هَلَلُویَا، هَلَلُویَا، هَلَلُویَا، شکر خدا را
شکر خدا را هَلَلُویَا، شکر خدا را هَلَلُویَا
شکر خدا را هَلَلُویَا، شکر خدا را

در نام عیسی در نام عیسی همیشه پیروزیم
از نام عیسی از نام عیسی شیطان می‌گریزد
کیست که تواند در برابر نام قادرش بایستد
چونکه در نام اوست که ظفرو پیروزی یافته‌ایم

۱- چون روحش در من کار کند
سرایم، سرایم
۲- چون روحش در من کار کند
شنوم، شنوم
۳- چون روحش در من کار کند
خواهم گفت، خواهم گفت
۴- چون روحش در من کار کند
اطاعت، اطاعت
۵- چون روحش در من کار کند
محبت، محبت
۶- چون روحش در من کار کند
بشارت، بشارت

۱- روح القدس در هر زمان
حضور تو بخشد حیات
(بندگردان)
ای آتش خدا
بهر کار و خدمت

۲- روح القدس رب جلال
گر محزون کرده‌ایم تورا
۳- روح القدس جاری فرما
احیا شود دل مردگان
۴- روح القدس شکر تو گوئیم
در نورت بینیم عیسی را

سرایم مانند داود (۲)
سرایم مانند داود (۲)
شنوم مانند سموئیل (۲)
شنوم مانند سموئیل (۲)
خواهم گفت مانند دانیال (۲)
خواهم گفت مانند دانیال (۲)
اطاعت کنم چون مریم (۲)
اطاعت کنم چون مریم (۲)
محبت کنم چون عیسی (۲)
محبت کنم چون عیسی (۲)
بشارت دهم چون پولس (۲)
بشارت دهم چون پولس (۲)

دور نما هراشک و ملال
از ما مشو دور و بیا
نهر حیات از بطن ما
چون روح دمد بر قلب و جان
هرچه هستیم ز تو داریم
محبت پدر در ما

۱- گر خواهی از گناه در امان باشی

باید پر از روح قدوسش شوی

خود را تسلیمش کن با سرود و حمد

بگذار روحش پر کند

(بندگردان)

بگذار روحش پر کند

بگذار روحش پر کند

خود را تسلیمش کن با سرود و حمد

بگذار روحش پر کند

۲- گر خواهی از شادی و وجد پر شوی

عاری از شک و ترس زندگی کنی

خود را تسلیمش کن با سرود و حمد

بگذار روحش پر کند

۳- گر خواهی ز آتش روح پر شوی

سوزد هر خطایی و تقدیس گردی

خود را تسلیمش کن با سرود و حمد

بگذار روحش پر کند

۴- گر خواهی ز قدرت روح پر شوی

با دلیری مژده‌اش را رسانی

خود را تسلیمش کن با سرود و حمد

بگذار روحش پر کند

۱- دانا خانه روی صخره کرد بنا (۳)

و باران بسیار ببارید

باران ببارید و سیلاب شد (۳)

و خانه‌اش ماند برقرار

۲- نادان خانه روی ماسه کرد بنا (۳)

و باران بسیار ببارید

باران ببارید و سیلاب شد (۳)

و خانه‌اش ویران شد

حمدش کنید، حمدش کنید صبحگاه، حمدش کنید در ظهر

حمدش کنید، حمدش کنید در شامگاه

دوست دارم سرود خوانم فریاد کنم چون رسولان

خواهم چون قدیم سرود خوانم دعا و وعظ کنم چون رسولان

از منجی خود هر دم سخن می گویم هر جا که روم هر جا که روم

از منجی خود هر دم سخن می گویم روحم شاد، شاد، شاد می گردد

در قلب من باشد جشن و شادی

در قلب من باشد جشن و شادی

آزادم کرد مسیح، باشد مرا هادی

در قلب من باشد جشن و شادی

۱- اگر شادمان هستی دست بزن

اگر شادمان هستی دست بزن

اگر شادمان هستی و غمی نداری

اگر شادمان هستی دست بزن

۲- اگر شادمان هستی پا بزن

اگر شادمان هستی پا بزن

اگر شادمان هستی و غمی نداری

اگر شادمان هستی پا بزن

۳- اگر شادمان هستی بشکن بزن

اگر شادمان هستی بشکن بزن

اگر شادمان هستی و غمی نداری

اگر شادمان هستی بشکن بزن

۴- اگر شادمان هستی بگو آمین

اگر شادمان هستی بگو آمین

اگر شادمان هستی و غمی نداری

اگر شادمان هستی بگو آمین

۵- اگر شادمان هستی همه با هم

اگر شادمان هستی همه با هم

اگر شادمان هستی و غمی نداری

اگر شادمان هستی همه با هم

(بندگردان)

لیکن چون روح القدس بر شما می آید

قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود

۱- هر که ایمان آورده تعمید یابد نجات می یابد

اما هر که ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد

۲- این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من

دیوها را بیرون کنند و به زبانهای تازه حرف زنند

۳- هرگاه دستها بر مریضان گذارند شفا خواهند یافت

اینک تا انقضای عالم همراه شما می باشم

۱- شکر ت کنیم ای خداوند بهر عطایات

بارش روح قدوس تو بر کلیسایت

قدرت سما همچو آتش مشتعل بنمود

شاگردان مشتاق را از هر خطا بزدود

(بندگردان)

باران آخر را خواهیم بر طبق وعده ات

تجهیز نما کلیسایت از اعلی با روح (۲)

۲- گناه و عصیان جهان بسیار فزون گشته

چاره آن الزام روح توست به هر تشنه

دلریش نما قلبهای سخت با شمشیر روح

آنگاه شفاده زخم دلها با محبت

۳- امداد نما ای خداوند اندر ره عیسی

با هدایت و تسلی روح در هر جا

تقدیس نما هرروزه این وجود تشنه ام

تا شبیه عیسی شوم کامل چو او هر دم

- ۱- اگر روز من اگر شب من صرف خدمت خداوند شود
غلام (کنیز) بی منفعت منم (۲)
- ۲- اگر جان من اگر مال من صرف خدمت خداوند شود
غلام (کنیز) بی منفعت منم (۲)
- ۳- اگر قوم من اگر خویش من مرا رد کنند مرا ترک کنند
غلام (کنیز) بی منفعت منم (۲)

- ۱- لیبک ای خداوند مرا هم بفرست
تا آوارگان را هدایت کنم
آب حیات به تشنگان رسانم
در تاریکی ها نیز درخشان باشم
(بندگردان)
- صدایت را می شنوم مرا خوانی که بروم
فرمان برم مرا بفرست ای خداوند مرا، مرا
ای منجی عزیز من
- ۲- لیبک ای خداوند مرا هم بفرست
بهر حصاد پیش از غروب آفتاب
یک روز رود خورشید زندگی ام
سویت پرواز کنم رویت ببینم
- ۳- لیبک ای خداوند مرا هم بفرست
تا نیروی ظلمت در هم بشکنم
مرا با زرهات یکسر بپوشان
چشمه کلامت از دلم جوشان

- ۱- در شب آخر شاه شاهان
نشسته بود بین شاگردان
با دستها نان را پاره می کرد
(بهر شاگردان حاضر می کرد) ۲
- آنگه شکر کرد و برکت داد
گفت بگیرد این تن من است
بخورید این را به یاد من
(تا بماند یادگار من) ۲
- ۲- بعد از شام برداشت پیاله را
پیاله عهد جدید را
گفت این پیاله در خون من
(در آینده یادگار من) ۲
- هروقت این نان را شما خورید
این پیاله را شما نوشید
ظاهر خواهید کرد موت مرا
(تا من باز آییم نزد شما) ۲
- ۳- پس هرکس نان و پیاله را
خورد نالایق نزد خدا
ظاهر خواهید کرد موت مرا
(تا من باز آییم نزد شما) ۲
- آنگه آن شخص می گردد مجرم
در بدن و در خون عیسی) ۲
زیرا هرکس این عمل کند
خورد نوشد فتوای خود را
دیگر خواهد بود او گنهگار
(در آن حضور پاک خدا) ۲

۱- چون عیسی شاه جلال با شکوه بی‌زوال
 بازگشت کند به این جهان
 ایمانداران حقیقی را سوی خود خواند
 در آن بهشت جاودان
 شکرو سپاس باد بر نام عیسی
 تنها امیدم در این دنیا
 (بندگردان)

شادانم حمدش را خوانم
 بازگشت منجی‌ام را خواهانم (۲)

۲- وقتی خداوند عیسی مظهر ذات خدا
 نازل شود ز آسمان
 همه گنهکاران از هر نقطه جهان
 گردند ترسان و پریشان
 گویند ای کوهها محو کنید ما را
 شرمند‌ایم از روی عیسی
 ۳- وقتی رسد به پایان کار من در این جهان
 پرواز کنم سوی عیسی
 تاج جلالم بخشد با شادی مرا گوید
 ای فرزند نزد من بیا
 در نور رویش روم به سویش
 اشک شوق ریزم بهر فیضش

۱- در موکب ظفر مسیح
 پیش رویم با قوت خدا
 عطر معرفتش افشانیم
 بین انسانهای بینوا
 (بندگردان)

ای مسیح قوت ما ز توست
 با شهادت و با خون توست
 تو به ما قدرت بخشیده‌ای
 بر شیطان تسلط داده‌ای
 پیروزی حاضر کردی بهر مومنین (۲)
 ای مسیح در تو دارم یقین (۲)

۲- سراییم سرود پیروزی
 با شادی در حضور خدا
 با ایمان بر دنیا پیروزیم
 تا رویم نزد منجی ما
 ۳- قلعه شیطان فرو ریزد
 چون آواز شادمانی خیزد
 نه به قوت و نه به قدرت
 بلکه با روح او به جرأت

۱- زرهی که خدا مهیا ساخته برای ما
 زرهی که خدا مهیا ساخته برای ما
 کیست که تواند در برابرش بایستد؟ (۲)
 ۲- کمر ما کمر بند ما حقیقت و راستی است
 جوشن ما جوشن ما عدالت و نیکی است
 کیست که تواند در برابرش بایستد؟ (۲)
 ۳- نعلین ما نعلین ما صلح و سلامتی است
 کلاهخود ما کلاهخود ما آن نجات عظیم است
 کیست که تواند در برابرش بایستد؟ (۲)
 ۴- شمشیر ما شمشیر ما کلام خداوند است
 سپر ما سپر ما ایمان به مسیح است
 کیست که تواند در برابرش بایستد؟ (۲)

۱- از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا

از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا

جانها صید کنیم بهر مسیحا

جانها صید کنیم بهر مسیحا

از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا

۲- از روح پر شویم قدرت بیاییم

از روح پر شویم قدرت بیاییم

از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا

از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا

۳- قدرت بیاییم شهادت دهیم

قدرت بیاییم شهادت دهیم

از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا

از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا

۱- ما سربازان خداوند آسمان و زمینیم

بهر نام خداوند عیسی از پا نمی‌نشینیم

سردار لشکر آسمانی خدا هم با ماست

با فرمان او می‌گوییم هلولو یا هلولو یا (۲)

پیروزیم با نام خداوندان عیسی

پیروزیم با نام شاهمان عیسی (۲)

۲- ما ایلچیان خداوند آسمان و زمینیم

سخنان پدرمان را به گوشها می‌رسانیم

می‌خواهیم او در میان ما همیشه جلال یابد

ناجیان را خداوند عیسی برای خود بیابد (۲)

فرو می‌ریزیم قلعه‌های شیطان را

پیروزیم با نام خداوند عیسی (۲)

۱- امید شادی بخشی است آن چون روز آخر در رسد

شاه شاهان از آسمان تاج عزت همی به سرنهد

(بندگردان)

زود می‌آید زود می‌آید

با شادی استقبالش کنیم

گر صبح باشد ، یا وقت عصر بود

دانم که زود می‌آید

۲- آیات عجیب بر زمین در بر و بحر آسمان

گویند با ابر شاهدان که مسیح با جلالش می‌آید

۳- خوابندگان در مسیح از قبر خود به پا خیزند

او وعده داده این چنین دهد ما را بهشت جاودان

۴- آنگاه همه که مؤمنیم با هم سوی سما رویم

امید مبارکی است این پس دهید تسلی به مؤمنین

۱- مسیحا سلطان مهر و محبت

تا ابد مسح شده با فیض و رحمت
با پدرعهد بسته تا بخشد نجات
بهر تشنه او دهد آب حیات

(بندگردان)

بره خدا غالب شد بردنیا بره خدا غالب شد بردنیا
بره خدا غالب شد بردنیا مسیح خداوند بر موت و گناه

۲- شیاطین می لرزند از اسم عیسی

دیوها نیز می ترسند از منجی ما
چون نام مجیدش باشد بی همتا
با خویش خریده آزادی ما
۳- همه گناهکاران به خود بیایید

دنیا را در عمق هلاکت بینید
عده کثیری بی نجات مردند

از دنیای فانی سودی نبردند
۴- با ابرها همی آید شاه شاهان
با جلال و شکوه و فرشتگان
از عدالت پر سازد او دنیا را

داوری نماید گناهکاران را

مسیحا سلطان مهر و محبت مسیحا سلطان مهر و محبت
تا ابد مسح شده با فیض و رحمت مسیحا سلطان مهر و محبت

۱- فرمان عیسی است باید درخشید

تابان به هر جا سوزان چو خورشید
چون شمع روشن در شام تاریک
باشیم در دهر نورانی و نیک
در جای خود ما هر جا که باشیم
هر یک به قسمی باید درخشیم
۲- فرمان عیسی است باید درخشید

با نور ایمان با مهر و امید
داند به خوبی ضعف من و تو
بیند که گاهی کم گشته پرتو
با اینهمه وی چشم انتظار است

بیند که نور ما آشکار است
۳- باید درخشید فرمان عیسی است

این احتیاج هر روز دنیا است
فقر و گناه و اندوه یارا
تاریک کرده دنیای ما را
پس با من و توس از روی ایمان

هر یک بجایش باشد درخشان

۱- تسلیمت شوم خدا
خسته‌ام از مقاومت
محبت شکست مرا
تا کی بندم دو گوشم را
۲- می‌پرستیدم خود را
سرد و مأیوس زار و مجروح
قوت گرفت آن صدا
تا کی باشی از من جدا
۳- شکر تو گویم مسیحا
کنم خدمت برم زحمت
چه بسا دارم ضعفها
دانم تویی با من هرجا

در خود ندارم قوا
ندارم اتکاء
تا کی مانم نابینا
گویی مرا بیا (۲)
علاقه‌ام به دنیا
به تو بی‌اعتنا
تا کی مانی بی‌وفا
خادم با وفا (۲)
لایق دانستی مرا
بهر تو خدایا
نیندیشم به آنها
خداوند عیسی (۲)

۱- شکر تو گویم ای مسیح
از یاد بردی گناهانم
که بخشیدی گناهانم
شادی دادی در قلبم (۲)
(بندگردان)

شوقی عظیم در دل دارم
مژده نجات او را
۲- بسیاری از مردمان
مضطرب و سرگردانند
۳- امر عیسی را بشنوید
تشنگان را سیراب سازید
گمشدگان را بجویم
به هر کس اعلام نمایم (۲)
در وادی گناهان
پی آب حیاتند (۲)
مژده‌اش را رسانید
سوی چشمه آورید (۲)

۱- مژده بادا که نو شد سراسر جهان
گشته بیدار گیتی ز خواب گران
بین چگونه شود رنگ رنگ آسمان
که کند گریه گه خنده بر بوستان
بر طبیعت نگر مرده بُد زنده شد
در جهان پرتو مهر تابنده شد
آن مسیحی که از بهر ما بنده شد
مرد و برخاست و ما را رهاننده شد
۲- مژده آمد که اینک قیامش بین
باز شد تا ابد آسمان بر زمین
موت دیگر نبُد قدرتش بیش از این
از چه ترسم دگر از چه باشم حزین؟
سر بر آراز افق مهر تابان ما
بین چسان تازه گشته تن و جان ما
قبر خالی نگر، کار یزدان ما
زنده عیسی ببین، اصل ایمان ما

۱- اگر این دنیا همیشه آتش
بیافروزد بر جان و دلم
نمی‌هراسم یک لحظه هرگز
گر چه بماند خاکسترم
(بندگردان)
چون روحم با شادی و صفا پرواز خواهد کرد سوی عیسی (۲)

۲- اگر در عمق دریا اسیرم
در دل صحرا سرگردانم
دست از منجم نکشم هرگز
گر چه از کف برود جانم
۳- مشعل نجات منجی ما
همیشه باشد در دست من
چقدر شیرین است اگر یک روزی
فدایش گردد این جان من

۱- خدای عظیم بهر ما خاکیان
ز بهر نجات جمیع ملل
نمود نقشه‌اش را عیان
فرزندش را داد به جهان

(بندگردان)

جلال بر تو باد سرودند ملائک
رضامندی در بین آدمیان
آرامی و صلح بر زمین
ره و مقصد مؤمنین (۲)

۲- مژده تولد منجی ما
پیام خوشی عظیم خدا
۳- تمامی خلقت در اندوه و آه
شبان و مجوسیان و شمعون پیر
بشارت به ارض و سما
تسلی دل‌های ما
در طلب رهایی‌اند
پی نور سماویند

۱- پیروزی از توسع عیسای زنده
فرزند خالق ما را رهاننده
در روز سوم خود از قبر برخاستی
نیروی موت را تا ابد بشکستی
پیروزی از توسع عیسای زنده
فرزند خالق ما را رهاننده
۲- عیسای زنده اکنون بر ماست
با مهر و شادمانی او رهبر ماست
اینک کلیسا با شادی سراید
امیدوار و خوش بر غم فایق آید
پیروزی از توسع عیسای زنده
فرزند خالق ما را رهاننده
۳- هیچ شک نداریم تو زنده هستی
همراه ما باش در بالا و پستی
در زندگی شو ما را یار و یاور
از دروازه مرگ نزد خود آور
پیروزی از توسع عیسای زنده
فرزند خالق ما را رهاننده

۱- محبت خدا
بهر ما شد عیان
وقتی او را فدا کرد
تا بهرم بمیرد
(بندگردان)

جلال بر نامش برای فیضش
آنقدر دوست داشت جهان را
که بخشید فرزندش (۲)

۲- بر روی جلتجا
همه چیز تمام شد
نقشه الهی‌اش
وقتی او ندا کرد
نجاتم تضمین شد
در وجودم مهر شد

۱- خداوند آسمانی ای منشاء محبت
انوار مهر ابدی حاکی از لطف و رحمت
(بندگردان)
ده مرا تعمیدی نو ز مهر و محبت
تا شوم شبیه تو کامل ز هر جهت
۲- رحمت تو ای خداوند گیرد دست گم‌رهان
هر چند عدل آسمانی محکوم کند هر عصیان
۳- در طوفان زندگانی در ظلمت آسمان
خورشید محبت توسع از پس ابرها عیان
۴- بارش محبت تو هرگز فانی نگردد
گرچه خلقت و جهان به امر تو معدوم شود

۱- خداوند از راه فیضش آمرزید گناه ما
به عمقهای دریا انداخته او هر جرم و خطا

(بندگردان)

منبع محبت اوست بس رحیم با خصم و دوست
تبرئه کند خاطی را شود بجایش فدا

۲- سرّ قدرت کلیسا در دعاست و اتحاد

رحم و بخشش مسیحی می‌رساند این مراد

۳- چون بسویش با دعاها رویم با حمد و ثنا

گوید او برگرد به آنجا که شکستی قلبی را

۴- گر نبخشیم از ته دل خطایای مردمان

او نیامرزد گناه را در جهان بینیم زیان

۱- نازل شد عیسی با جلال خدا
منجی آمد جهان هادی گم‌رهان
در آخوری پست مسیحا مولود گشت

با اشک و آه و زجر عمرش بگذشت
(بندگردان)

آه دوستش دارم، او را ستایم اوست راه و نورم در وجودم
خالق عظیم منجی‌ام گردید پری خدا در او بینید
۲- شاه سماوی ترک کرد تخت و تاجش

ظاهر گشت او به ما در جسم انسانها

نور خدایی بخشید روشنایی

جهان را داد از ظلمت رهایی

۳- منجی‌ام عیسی بهر من شد فدا

خالق این جهان طرد شد از مردمان

با فیضی عظیم آن خدای رحیم

با خون خود کرد از بند آزادم

۱- گرد آید ایمانداران شادان و فیروز
گرد آید، گرد آید، در بیت لحم
شاه ملائک گشته مولود امروز
(بندگردان)

آید او را پرستیم، آید او را پرستیم
آید او را پرستیم، مسیح عیسی

۲- ای جمله ملائک با شادی سرایید
ای کل کاینات تسبیح بخوانید
"خدا را مجد باد در اعلیٰ علین"

۳- آری خداوندا عزیزت می‌داریم
ای عیسی ما به تو سجده می‌آریم
کلمه خدا شد مجسم

۱- خدا محب و منجی جانم

خدا محب و رهنمایم

(بندگردان)

پس باید سرایم خدایم نیکوست
خدایم نیکوست دوستم دارد

۲- بسته بودم در قید اسارت

بسته بودم در قید گناه

۳- خدای پدر او را فرستاد

مسیحا آمد نجاتم داد

۴- عیسای محبوب جانش فدیة داد

از هر گناهی کردم آزاد

۵- تمجیدت کنم مهر ابدی

تنها معبود قلبم تویی

- ۱- آمد مسیح اندر جهان شادی کنید ای مؤمنان
تسبیح و تقدیش دهید حمدش کنید ورد زبان
۲- پور خدای بی مکان شد آشکار اندر جهان
از نور روی خود نمود روشن زمین و آسمان
۳- شادی و وجد ای کودکان بنمایید از دل و جان
امروز اندر بیت لحم منجی عالم شد عیان
۴- اینک خدای بی مکان کز دیده‌ها بودی نهان
اندر لباس بندگی شد خلق گمره را شبان

- ۱- مژده عیسی به دنیا آمد مژده منجی بشر آمد
اینک خدا با ما بود مژده روح القدس آمد
۲- در شهر داود مسیحا را آن خداوند کبریا را
بین چگونگی تولد شده منور ساخته قلب ما را
۳- طفلی در قنات پیچیده بین در آخور او را خوابیده بین
نور عالم هویدا شده کلمه را مجسم بین
۴- این روز خوش از ایزد بود عیسی هدیه پدر بود
او وعده داد و کرده وفا زندگی ما از او بود
۵- خدا را در سما بر زمین سلامتی باد و بیش از این
در میان ما رضامندی بود هم در اعلی علین

- ۱- جانم به تو چسبیده است برادر عزیزم
مثل یوناتان و داود در مسیح عهد بسته‌ام
باید در وصف تو سخنهای نیکو بگویم
اعمال نیکوی تو را در هر جا باز گو کنم
(بندگردان)
از ایمان و نیکویی تو در مسیح عیسی
دل‌های مقدسین استراحت می‌پذیرد (۲)

- ۲- تو را با تمام وجودم برادر دوست دارم
بگو هر چه دلت می‌خواهد برایت می‌کنم
بگذار به گردنت افتاده‌ام گریه کنم
در آغوشم تو را گرفته غرق بوسه کنم
۳- آرزویم تقویت دست‌های توست در عیسی
تو اولین باش و من هم دومین تو هر جا
آه این فیض است که برای تو هر وقت دعا کنم
در حضور خالقم برایت شفاعت کنم
۴- ای همسپاه ذکر محبت تو را شنیدم
پیوسته در دعاهایم تو را روبرو دیدم
ذکر محبت تو در میان مقدسین
تسلی روح را خودم به چشم خود دیده‌ام

(بندگردان)

ای برادران من خوشی دل من

خوشی دل من و دعای من

۱- چقدر دلپسند است که با هم ساکن شویم

نام عزیز او را ، با هم جلال دهیم (۲)

۲- محبت خداوند در ما چه ها کرده

همه مؤمنین را یکدلی بخشیده (۲)

۳- خداوند امر کرده پایت را بشویم

آنچه را که او داده با تو قسمت کنم (۲)

۴- خداوند فیض بده محبت نمایم

تا جانم را در ره برادران نهم (۲)

۱- خداوند عیسی عدالت ما

روح تو جذب کرده ما را از کل دنیا

اتحاد ما با تو چه زیبا

با صلیب و قیام تو شعله ور در ما

(بندگردان)

ای شبان اعظم گله خداوند عیسی

داماد پر جلال سماوی بهر کلیسا

۲- پدر از سما حاضر در هر جا

فرزندان تو گشته ایم با خون عیسی

اتحاد ما با تو چه زیبا

بهر ما گمراهان کردی فرزندان فدا

۳- ای روح خدا عامل احیا

حضورت بخشد لطف و شادی به کلیسا

اتحاد ما با تو چه زیبا

ساکن گشته ای ای قدوس در قلوب ما

۴- ای قوم خدا عروس عیسی

جامه عدالت بر تن، زینت تقوا

اتحاد ما با تو چه زیبا

یگانگی روح باشد سر لوحه ما

۱- یک شب مقدس

آرام و نـورانی

مادر و طفل در مکانی

طفلش نظیف و راحت

در خواب آسمانی

در خواب آسمانی

۲- یک شب مقدس

با حیرت شبانان

نزول اجلال از آسمان

ملائک ، هلولیا خوان

مسیح تولد یافت

در عالم انسانی

۳- یک شب مقدس

با نور خدایی

کز صورت مبارکت

بر کاهنان بتابی

عیسی تولد شد

با فیض رحمانی